بسم الله الرحمن الرحیم

حقوق حیوانات در اسلام

- پاسخ به شبهات -

نویسنده: «رد شبهات ملحدین»



چندیست که برخی از اسلام‌ستیزهای متعصب و فاقد اخلاق – به اصطلاح – انسانی با بازیچه قرار دادن برخی از احادیث در خصوص حقوق حیوانات در اسلام، دست به یاوه‌گویی زدند که به فضل خدای رحمان به شبهات آنها مستند و مستدل پاسخ خواهیم داد. هر چند واقعیت امر این است که این گروه معاند که اخلاق نداشته خویش را از برخی حیوانات به ارث برده‌اند و خویشتن را از نسل آنان دانسته چگونه جرأت ایراد به حقوق حیوانات در اسلام گرفته‌اند حال اینکه معیاری برای خوب و بد اخلاق ندارند و اکنون دم از اخلاق و حقوق حیوانات می‌زنند!

در این کتابچه بصورت خاص به بررسی احادیثی که در رابطه با «کشتن سگ» است پرداخته می‌شود، اینکه آیا کشتن سگ‌ها در اسلام جائز است یا نه؟ موضوعیست که در زمره‌ی شبهات متداول اسلام‌ستیزها مطرح بوده و توسط یک سری از معاندین خداناباور ایرانی هم که شیرین عقلی آنها برای ما و عموم مردم هویداست با بی‌اخلاقی و بی‌ادبی چندیست مجدداً با حمال‌کشی – که صفت بارز آنان بوده – به نشر آن اقدام نموده‌اند!

معترض می‌نویسد: «*اسلامگرا مدعی شده اسلام به حقوق حیوانات توجه زیادی کرده حال آنکه پیامبر ... دستور به کشتن تمامی سگ‌های بینوا داده ... صحیح بخاری روایت ۳۳۲۳ آیا سگ کشی امری انسانی و اخلاقیست؟ آیا پیامبر اسلام بویی از انسانیت و شرافت برده است؟*»

پاسخ:

اولاً: نیکوست روشن شود که ادعای اسلامگرایان که خاری در چشم اسلام‌ستیزها و خداناباوران ایرانی – هداهم الله – شده است چه بوده؟ اصل موضوع این بود، چندی پیش مطلبی بعنوان سلسله حقوق حیوانات در اسلام، در فضای مجازی منتشر شد و – ان شاء الله – ادامه خواهد داشت، لیکن این اسلام‌ستیزها بدون توجه به فحوای مطالب و با فریاد دردناک ناشی از خاری که در چشمشان فرو رفته

در حال دست و پا زدن هستند و ابراز درد می‌کنند و ما نیز به آنها می‌گوئیم که دست از تعصب و عناد و بی‌ادبی بردارید و با عقل و خردی که دائماً خود را بدان منتسب می‌کنید به این مطالب نظر بیاندازید و به جای اتهام زنی و نمایش شیرین عقلی خودتان بهتر است اندکی در رابطه با موضوع مربوطه پژوهش داشته باشید!

ثانیاً: قبل از بررسی حدیث مورد استناد معترض، جا دارد به موضوع مهم و شایعی اشاره شود که این روزها شدیداً از جانب اسلام‌ستیزها و نیز اندکی از مسلمانان فریب‌خورده مطرح بوده و آن «نجس بودن سگ‌ها» است که از دیدگاه قرآن و سنت و فقه اسلامی به این شبهه برای همیشه پاسخ خواهیم داد، لذا نیکوست بیان شود در قرآن کریم هیچ دلیل صریحی مبنی بر نجاست سگ‌ها وجود ندارد و در سنت صحیح نیز دلیلی که صریح و واضح باشد در خصوص نجاست سگ‌ها، از پیامبراکرمﷺ نقل نشده و این نکته‌ی مهمی است که باید مورد توجه قرار گیرد چراکه مصادر شریعت نزد مسلمین، قرآن و سنت است!

دلایل پاک بودن بدن سگ‌ها با استناد به قرآن و سنت

برخلاف آنچه که شایع است در مورد نجاست سگ‌ها، اما با استناد به آیات قرآن و احادیث نبویﷺ می‌توان استنباط نمود که بدن سگ نجس نیست و این دیدگاه مقبول جمهور فقهاء از حنفیه، مالکیه و حنابله می‌باشد.

دلیل اول: خداوند متعال فرموده: ﴿وَ ما عَلَّمْتُمْ مِنَ الْجَوارِحِ مُكَلِّبينَ تُعَلِّمُونَهُنَّ مِمَّا عَلَّمَكُمُ اللَّهُ فَكُلُوا مِمَّا أَمْسَكْنَ عَلَيْكُمْ وَ اذْكُرُوا اسْمَ اللَّهِ عَلَيْه﴾ [مائده: ۴]

یعنی: « و [نیز صید] حیوانات شکارگر که شما بعنوان مربّیان سگ‌های شکاری، از آنچه خدایتان آموخته، به آنها تعلیم داده‌اید [برای شما حلال شده است] پس از آنچه آنها برای شما گرفته و نگاه داشته‌اند بخورید، و نام خدا را بر آن ببرید.»

و در حدیثی صحیح، عدی بن حاتم رضی الله عنه گوید: از حکم سگِ شکاری از پیامبراکرم صلی الله علیه وسلم سؤال کردم آن‌حضرت صلی الله علیه وسلم فرمودند:« **إذا أرسلت كلابك المعلمة، وذكرت اسم الله، فكل مما أمسكن عليك، إلا أن يأكل الكلب فلا تأكل، فإني أخاف أن يكون إنما أمسك على نفسه، وإن خالطها كلب من غيرها فلا تأكل.**»[1]یعنی: «هرگاه سگ‌های[شکاری] تربیت یافته‌ات را فرستادی و بسم الله را گفتی، پس چیزی را که برایت نگه‌داشتند بخور مگر اینکه سگ از این شکار خورده باشد در این حالت جائز نیست بخوری. من از این می‌ترسم که سگ، شکار را برای خودش نگه دارد و اگر آن را با چیزی دیگر آمیخت پس آن را نخور.»

وجه استدلال: باتوجه به این دلایل، سه حالت مورد نظر است:

اول اینکه: با استناد به این آیه، نگه‌داری از سگ‌ها و برای شکار جائز است و آن در سنت صحیح نیز ثابت است و سگ مزرعه و گله نیز بدان اضافه شده است.[2] ابن عمر رضی الله عنهما از پیامبراکرم صلی الله علیه وسلم روایت کرده که فرمودند: « **من اقتنى كلبا، إلا كلب ماشية، أو ضاريا، نقص من عمله كل يوم قيراطان**»[3] یعنی: «هرکس سگی بجز سگ گله یا شکاری، نگه‌داری کند هر روز دو قیراط از [پاداش] اعمالش کاسته می‌شود.» و در حدیث دیگر به سگ نگهبان مزرعه نیز تصریح شده است.[4] از این‌رو نیازی که نگه‌داری سگ را مجاز می‌دارد باتوجه به ورود حدیث مذکور، در این حالات سه‌گانه، مزرعه، گله و

[1]- صحیح البخاری، (ط: دار طوق النجاة، ١٤٢٢هـ)، ج٧، ص٨٨ ح٥٤٨٧؛ صحیح مسلم، (ط: إحیاء التراث العربی، بیروت)، ج٣، ص١٥٢٩ ح١٩٢٩.

[2]- الجامع لأحكام القرآن – القرطبی، (ط:٢، دار الكتب المصرية، القاهرة، ١٩٦٤م)، ج٦، ص٧٣: « ودلت الآية على جواز اتخاذ الكلاب واقتنائها للصيد، وثبت ذلک فی صحيح السنة وزادت الحرث والماشية.»؛ همچنین بنگرید به: [شرح صحیح البخاری لابن بطال، (ط: ٢، مكتبة الرشد، الرياض، ٢٠٠٣م)، ج٦، ص٤٥٩]

[3]- صحیح البخاری، ج٧، ص٨٧ ح ٥٤٨٢؛ صحیح مسلم، ج٣، ص١٢٠١ ح١٥٧٤.

[4]- ر.ک: صحیح البخاری، ج٣، ص١٠٣ ح٢٣٢٢؛ صحیح مسلم، ج٣، ص١٢٠٣ ح١٥٧٥.

شکار، در نگه‌داری آن رخصت داده شده و این موارد به اتفاق جائز است.[1] و بنابر نظر اصح (صحیح‌تر) مذهب شافعیه، نگه‌داری از سگ برای نگهبانی جلوی درب منازل نیز جائز است.[2] و سبب آن قیاس بر سه حالت مذکور در حدیث است که به علتِ مفهومی حدیث عمل می‌شود و آن «ضرورت و نیاز» است.[3]

از تابعی جلیل القدر هشام بن عروه رحمه الله(م۱۴۶هـ) در مورد نگه‌داری سگ برای حفاظت از خانه سؤال شد؟ در پاسخ فرمود: «اشکالی ندارد مادام که محل خانه ترسناک باشد.»[4] و نزد حنفیه رحمهم الله نیز استفاده

[1]- المنهاج شرح صحیح مسلم بن الحجاج – النووی، (ط:۲، دار إحیاء التراث العربی، بیروت، ۱۳۹۲هـ)، ج۳، ص۱۸۶: « وأما الحاجة التی یجوز الاقتناء لها فقد ورد هذا الحدیث بالترخیص لأحد ثلاثة أشیاء وهی الزرع والماشیة والصید وهذا جائز بلا خلاف»؛ همچنین بنگرید به: [المغنی لابن قدامة، (ط: مکتبة القاهرة، ۱۹۶۸م)، ج۴، ص۱۹۱؛ مجموع الفتاوی – ابن تیمیة، (ط: مجمع الملک فهد، المدینة النبویة، المملکة العربیة السعودیة، ۱۹۹۵م)، ج۳۲، ص۲۵۹؛ رد المحتار علی الدر المختار – ابن عابدین، (ط: ۲، دار الفکر، بیروت، ۱۹۹۲م)، ؛ الموسوعة الفقهیة الکویتیة، (ط: ۱، دار الصفوة، مصر)، ج۳۵، ص۱۲۴]

[2]- فتح الباری شرح صحیح البخاری – ابن حجر، (دار المعرفة، بیروت، ۱۳۷۹هـ)، ج۵، ص۷: « والأصح عند الشافعیة إباحة اتخاذ الکلاب لحفظ الدرب ...»

[3]- المنهاج شرح صحیح مسلم بن الحجاج – النووی، ج۱۰، ص۲۳۶: « أصحها یجوز قیاسا علی الثلاثة عملا بالعلة المفهومة من الأحادیث وهی الحاجة »؛ همچنین بنگرید به: [طرح التثریب فی شرح التقریب – العراقی، (دار إحیاء التراث العربی، ومؤسسة التاریخ العربی، ودار الفکر العربی)، ج۶، ص۲۸]

[4]- الاستذکار – ابن عبدالبر، (ط: ۱، دار الکتب العلمیة، بیروت، ۲۰۰۰م)، ج۸، ص۴۹۴: « قد سئل هشام بن عروة عن اتخاذ الکلاب للدار فقال لا بأس به إذا کان موضع الدار مخوفا»؛ همچنین بنگرید به: [شرح صحیح البخاری لابن بطال، ج۵، ص۳۹۰]

از سگ برای محافظت خانه از ترس دزدان و دشمنان جائز است.[1] در کل استفاده و نگه‌داری سگی که در آن منفعت باشد جائز است و این دیدگاه امام شافعی رحمه الله و اصحاب وی است.[2]

أ) امام ابن عبدالبر مالکی رحمه الله(م۴۶۳هـ) می‌گوید: «در مفهوم حدیث [ابن عمر] نزد من (ابن عبدالبر) نگه‌داری سگ‌ها برای جلب منافع و دفع ضرر مادامی که انسان بدان نیاز داشته باشد جائز است.»[3]

ب) امام یوسف بن عبدالهادی حنبلی رحمه الله(م۹۰۹هـ) در کتاب "الاغتراب فی أحکام الکلاب" می‌نویسد: «شکی نیست که پیامبر صلی الله علیه وسلم در احادیث متعددی نگه‌داری از سگ شکاری را جواز دادند و همچنین خبر دادند که نگه‌داری کننده آن برای شکار از پاداش عملش کاسته نمی‌شود و در حدیث دیگری نگه‌داری از سگ گله گوسفندان را رخصت دادند و همچنین در حدیثی دیگر نگه‌داری از سگ مزرعه را جائز دانستند و لذا معلوم می‌شود که علت مقتضی برای جواز وجود مصلحت در نگه‌داری است و وجود و عدم حکم متناسب با علت آن است پس اگر مصلحتی یافت شود در این حالت اتخاذ آن جائز است هر چند برخی از مصالح مهم‌تر و بزرگ‌تر باشد از مصلحت نگه‌داری سگ در مزرعه و یا برخی مصلحت‌ها با چیزی که شارع مقدس بر آن نص گذاشته برابری نماید. شکی نیست که میوه درختان در معنای مزرعه، و گاو در معنای گله و مرغ و غاز – برای دفع روباه از آنها– در مفهوم گله است و بدون تردید ترس از دزدان و نگه‌داری سگ برای هشدار دادن و نیز هشیاری در مقابل آنها از بزرگ‌ترین

---

[1]– رد المحتار علی الدر المختار – ابن عابدین، ج۵، ص۲۲۷: « لا ینبغی أن یتخذه فی داره إلا إن خاف لصوصا أو أعداء»

[2]– ر.ک: المجموع شرح المهذب – النووی، (ط: دارالفکر)، ج۹، ص۲۳۴.

[3]– التمهید لابن عبدالبر، (ط: وزارة عموم الأوقاف والشؤون الإسلامیة، المغرب، ۱۳۸۷هـ)، ج۱۴، ص۲۱۹: « وفی معنی هذا الحدیث تدخل عندی إباحة اقتناء الکلاب للمنافع کلها ودفع المضار إذا احتاج الإنسان إلی ذلک»

مصلحت‌هاست و شارع مقدس حافظ منافع و دفع زیان است از این جهت اگر در آن مصلحت نباشد پس تباهی بدان راه میابد.»[۱]

پ) علامه ابو سعید الخادمی حنفی رحمه الله(م۱۱۵۶هـ) می‌گوید: «بدان که نگه‌داری از سگ برای نگهبانی، شکار کردن، و محافظت از مزرعه و گله و نیز حفظ اموال از دست دزدان جائز است.»[۲]

ت) علامه ابن عثیمین رحمه الله(م۱۴۲۱هـ) می‌گوید: « سگی که از انسان محافظت می‌کند، نگه‌داری آن جائز است؛ زیرا وقتی سگی که برای حراست گله نگه‌داری آن جائز است، بنابراین نگه‌داری از آن برای انسان سزاوارتر و شایسته‌تر است، همان‌طور که نگه‌داری از سگ شکاری درست است در حالی که شکار امری ضروری نیست و انسان بدون آن نیز می‌تواند زندگی کند، لذا نگه‌داری از سگ برای امور ضروری شایسته‌تر است!»[۳]

ث) دکتر حسام الدین عفانه در کتاب "فقه التاجر المسلم"می‌گوید: «نگه‌داری از سگ در خانه فقط در صورتی که ضرورت ایجاب کند و منفعتی داشته باشد جائز است، مانند سگ‌های شکاری و نگهبان ... گروهی از علماء خرید و فروش سگ‌هایی که در آنها منفعت باشد را جواز داده‌اند، مانند، سگ‌های نگهبان و شکاری، و در زمان ما سگ‌های ردیاب که به دنبال مجرمین و نیز کشف مواد مخدر و امثال اینها هستند نیز جائز است و این مذهب ابوحنیفه رحمه الله و مالک رحمه الله – در روایتی از او – و همچنین دیدگاه عطاء رحمه الله و ابراهیم نخعی رحمه الله است.»[۴]

---

[۱]– الاغتراب فی أحکام الکلاب – ابن عبدالهادی، (ط: ۱، دارالوطن، ۱۴۱۷هـ)، صص ۱۰۶ – ۱۰۷.

[۲]– بریقة محمودیة – أبو سعید الخادمی، (ط: مطبعة الحلبی، ۱۳۴۸هـ)، ج۴، ص۱۷۸.

[۳]– الشرح الممتع علی زاد المستقنع – العثیمین، (ط:۱، دار ابن الجوزی، ۱۴۲۸هـ)، ج۱۰، ص۱۴۳.

[۴]– فقه التاجر المسلم، (ط:۱، المکتبة العلمیة ودار الطیب، بیت المقدس، ۲۰۰۵م)، ص۲۰۶.

دوم اینکه: بدن سگ شکاری پاک است چراکه اگر نجس می‌بود به کار بردن آن برای شکار که هم با صاحب سگ و هم با خود شکار تماس داشته ممنوع می‌شد که آیه و حدیث مذکور نافی آن است!

حافظ ابن حجر ﷺ(م۸۵۲هـ) می‌گوید: «در خصوص پاک بودن سگی که نگه‌داری‌اش جائز است بدان استدلال شده، چونکه در معاشرت این سگ‌ها با وجود اینکه اجتناب از آن موجب مشقت زیادی است اما جواز در نگه‌داری‌اش، مشمول جواز مکملات مطلوب آن نیز می‌شود همان‌طور که منع لوازم متناسب با ممنوعیت آن است و این استدلال قوی‌ای است که معارضی ندارد مگر عموم خبری که در امر به شستن چیزی که سگ در آن لیس بزند بدون جزئیات وارد شده و تخصیص عموم وقتی که دلیل آن را جائز شمرد اشکالی ندارد. »[1]

سوم اینکه: در خصوص پس‌مانده آب دهان سگ، بین علماء اختلاف است، آیا نجس است یانه؟

أ) امام ابن عبدالبر ﷺ(م۴۶۳هـ) می‌گوید: «فقهاء در باره‌ی پس‌مانده آب دهان سگ و لیسیدن چیزی که آب و غذا در آن باشد اختلاف کرده‌اند؛ خلاصه آنچه که مالک ﷺ بدان مذهب رفته و نزد اصحابش نیز ثابت بوده این است که پس‌مانده آب دهان سگ پاک است و هفت بار شسته شدن ظرفی که سگ آن را لیسیده باشد جنبه‌ی تعبدی دارد و همچنین استحباب غیر وجوبی است.»[2] داود ظاهری ﷺ،[3] بخاری ﷺ [4] و ابن منذر ﷺ[5] نیز به این رأی مذکور رفته‌اند.

---

[1]- فتح الباری – ابن حجر، ج۵، ص۷.

[2]- التمهید – ابن عبدالبر، ج۱۸، ص۲۶۹: « واختلف الفقهاء أیضا فی سؤر الکلب وما ولغ فیه من الماء والطعام فجملة ما ذهب إلیه مالک واستقر علیه مذهبه عند أصحابه أن سؤر الکلب طاهر ویغسل الإناء من ولوغه سبعا تعبدا استحبابا أیضا لا إیجابا»

[3]- طرح التثریب فی شرح التقریب – العراقی، ج۲، ص۱۲۱.

[4]- عمدة القاری شرح صحیح البخاری – بدرالدین العینی، (ط: إحیاء التراث العربی، بیروت)، ج۳، ص۳۶.

[5]- الأوسط فی السنن والإجماع والاختلاف – ابن المنذر، (ط:۱، دار طیبة، الریاض، ۱۹۸۵م)، ج۱، ص۳۰۶.

ب) حافظ ابن حجر عسقلانی رحمه الله(م۸۵۲هـ) در "فتح الباری" می‌نویسد: «و استدلال شده به این حدیث [عدی بن حاتم] مبنی بر پاکی پس‌مانده آب سگ شکاری غیر از سگ‌های دیگر، در جواز خوردن موضعی که سگ از آن خورده است و به شستن آن اشاره‌ای نشده و اگر شستن واجب می‌بود لازم به بیان بود زیرا در چنین وقتی، نیاز به بیان است. برخی از علماء بر این باورند که با توجه به این حدیث، هرچند سگ نجس هم باشد اما موضع گاز گرفتن سگ، [شستن آن] عفو داده شده و برخی دیگر که قائل به نجاست آن هستند در جواب گفته‌اند: چون واجب بودن شستن محل گاز گرفتن سگ نزد صحابه مشهور و معلوم بوده لذا به بیان آن نیازی نبوده است. البته به این قول ایراد است و دیدگاه عفو در شستن قوی است.»[1]

پ) امام ابن تیمیه رحمه الله (م۷۲۸هـ) می‌گوید: «پیامبر صلی الله علیه وسلم در نگه‌داری سگ شکاری، گله و نگهبانِ مزرعه جواز داده و لازمه‌ی آن برای کسی که از آن نگه‌داری می‌کند این است که مو [و بدن] مرطوب آن با انسان اصابت می‌کند همان‌گونه که ممکن است رطوبت و خیسی قاطر، الاغ و دیگر حیوانات با او برخورد داشته باشد پس [اگر] نظر به نجاست موهای [بدن] سگ باشد، حال اینکه مشقت و سختی از امّت برداشته شده است. همچنین آب دهان سگ اگر به شکار اصابت کرده باشد بنابر صحیح‌ترین نظرِ علماء، شستن آن واجب نیست و این یکی از دیدگاه‌های امام احمد بن حنبل رحمه الله نیز است چراکه پیامبر صلی الله علیه وسلم کسی را به شستن آن امر نکرده و از آب دهان سگ در محل ضرورت عفو (گذشت) نموده

---

[1]- فتح الباری – ابن حجر، ج۹، ص۶۰۳: « واستدل به علی طهارة سؤر کلب الصید دون غیره من الکلاب للإذن فی الأکل من الموضع الذی أکل منه ولم یذکر الغسل ولو کان واجبا لبینه لأنه وقت الحاجة إلی البیان وقال بعض العلماء یعفی عن معض الکلب ولو کان نجسا لهذا الحدیث وأجاب من قال بنجاسته بأن وجوب الغسل کان قد اشتهر عندهم وعلم فاستغنی عن ذکره وفیه نظر وقد یتقوی القول بالعفو...»

در صورتی که در مواقع غیرضروری به شستن آن امر کرده است و این مدلول این است که شارع مقدس مصلحت و ضرورت مردم را مراعات نموده است.»[۱]

دلیل دوم: در حدیث صحیحی روایت است که ابن عمر رضی الله عنهما فرمود: «**كانت الكلاب تبول، وتقبل وتدبر في المسجد، في زمان رسول الله صلى الله عليه وسلم، فلم يكونوا يرشون شيئا من ذلك**»[۲] یعنی: «در زمان رسول الله صلی الله علیه وسلم، سگ‌ها در مسجد بول می‌کردند و رفت و آمد داشتند و چیزی از آن را آب نمی‌پاشیدند.»

وجه استدلال: باتوجه به این حدیث، پاک بودن سگ و پس‌ماند دهانش ثابت می‌شود.[۳] برخی این حدیث را تأویل کرده‌اند که این در اوقات نادری اتفاق افتاده و در خارج از مسجد نیز بوده است لیکن جمال الدین المنبجی رحمه الله، بدرالدین العینی رحمه الله و مبارکفوری رحمه الله این تأویل را **مردود** دانسته‌اند.[۴]

امام شوکانی رحمه الله(م۱۲۵۰هـ) با استناد به این حدیث نظر به طهارت بدن سگ داده و فرموده: « کسانی که با استدلال به این حدیث "هرگاه سگ ظرفی از شما را لیسید" قائل به نجس بودن سگ هستند، در حالی که این حکم تنها اختصاص به لیسیدن دارد و دلیلی بر نجاست تمام ذات اعم از گوشت، استخوان، خون، مو و رطوبت سگ نیست و ربط دادن این موارد با قیاس به حکم لیسیدن بسیار بعید است بویژه با وجود حدیث ابن عمر رضی الله عنهما که بخاری رحمه الله و ابوداود رحمه الله روایت کرده‌اند که موجب تقویت این می‌شود

---

[۱]- مجموع الفتاوی – ابن تیمیة، ج۲۱، صص ۶۱۹ – ۶۲۰.

[۲]- صحیح البخاری، ج۱، ص۴۵ ح۱۷۴؛ سنن أبی داود، (ط: المکتبة العصریة، صیدا، بیروت)، ج۱، ص۱۰۴ ح۳۸۲.

[۳]- شرح صحیح البخاری لابن بطال، ج۱، ص۲۶۶؛ عمدة القاری شرح صحیح البخاری – بدرالدین العینی، ج۳، ص۴۳.

[۴]- ر.ک: اللباب فی الجمع بین السنة والکتاب – المنبجی، (ط: ۲، دار القلم، الدار الشامیة / دمشق، بیروت ۱۹۹۴م)، ج۱، ص۷۹؛ البنایة شرح الهدایة – بدرالدین العینی، (ط:۱، دار الکتب العلمیة، بیروت، ۲۰۰۰م)، ج۱، ص۷۲۱؛ مرعاة المفاتیح شرح مشکاة المصابیح – المبارکفوری، (ط: ۳، الجامعة السلفیة، بنارس الهند، ۱۹۸۴م)، ج۲، ص۲۱۰.

که به مفادِ [ظاهری بدون قیاس گرفتن] حدیث "ولوغ" (لیسیدن) پسنده گردد و این به سبب حکمت شارع است و ما این حکمت را نمی‌دانیم و لذا بر ما واجب است به چیزی که نصوص بر آن دلالت دارند عمل کنیم هرچند حکمتی که برای آن وارد شده را ندانیم.»[۱]

دلیل سوم: بنابر قاعده‌ی اصولی که مورد توافق فقهاء[۲] است: «اصل در ذات (عین) اشیاء، پاکی است و جائز نیست چیزی را تنجیس نمود مگر با دلیل.»[۳] بنابراین تا زمانی که دلیلی معتبر از قرآن یا سنت برای نجس بودن سگ وجود نداشته باشد، نمی‌توان با رأی اجتهادی قائل به نجس بودن آن شد و در صورت وجود اختلاف پیرامون حکم نیز، لازم است به اصل این قاعده مراجعه نمود که همان طهارت و پاکی است!

امام ابن تیمیه رحمه الله(م۷۲۸هـ) می‌گوید: « اگر موی مرطوب سگ با لباس انسان برخورد داشته باشد موجب نجس شدن لباس نمی‌شود و این دیدگاه جمهور فقهاء از مذهب ابوحنیفه رحمه الله، مالک رحمه الله و روایتی از احمد بن حنبل رحمه الله است، زیرا اصل در ذات اشیاء، پاکیست و لذا تنجیس و تحریم چیزی از آن بدون دلیل جائز نیست همان‌طور که خدای تعالی فرموده: ﴿وَ قَدْ فَصَّلَ لَكُمْ ما حَرَّمَ عَلَيْكُمْ إِلاَّ مَا اضْطُرِرْتُمْ إِلَيْهِ﴾ [انعام: ۱۱۹]، یعنی: «جز آنچه بدان ناچار شده‌اید برای شما به تفصیل بیان نموده است.» و همچنین فرموده: ﴿وَ ما كانَ اللَّهُ لِيُضِلَّ قَوْماً بَعْدَ إِذْ هَداهُمْ حَتَّى يُبَيِّنَ لَهُمْ ما يَتَّقُونَ﴾ [توبه:

---

[۱]- ر.ک: السیل الجرار المتدفق علی حدائق الأزهار – الشوکانی، (ط: ۱، دار ابن حزم)، ص۲۶.

[۲] – مجموع الفتاوی – ابن تیمیة، ج۲۱، ص۵۴۲؛ همچنین بنگرید به: [الدراری المضیة شرح الدرر البهیة – الشوکانی، (ط:۱، دار الکتب العلمیة، ۱۹۸۷م)، ج۱، ص۳۳؛ رسالة لطیفة جامعة فی أصول الفقه المهمة – عبدالرحمن السعدی، (ط:۱، دار ابن حزم، بیروت، ۱۹۹۷م)، ج۱، ص۱۰۱؛ مجموعة الفوائد البهیة علی منظومة القواعد الفقهیة – القحطانی، (ط: ۱، دار الصمیعی، المملکة العربیة السعودیة، ۲۰۰۰م)، ص۶۷؛ القواعد الفقهیة وتطبیقاتها فی المذاهب الأربعة – الزحیلی، (ط:۱، دار الفکر، دمشق، ۲۰۰۶م)، ج۱، ص۱۱۲]

[۳]- مجموع الفتاوی – ابن تیمیة، ج۲۱، ص۶۱۵: « الأصل فی الأعیان الطهارة فلا یجوز التنجیس إلا بدلیل»

۱۱۵]، یعنی: «و خدا بر آن نیست که گروهی را پس از آنکه هدایتشان نمود بی‌راه بگذارد، مگر آنکه چیزی را که باید از آن پروا کنند برایشان بیان کرده باشد.» پیامبرﷺ فرمودند: « طهور إناء أحدكم إذا ولغ فيه الكلب أن يغسله سبعا أولاهن بالتراب»، یعنی: «شیوه‌ی پاک کردن ظرف یکی از شما، زمانی که سگ در آن لیسید، چنین است که باید هفت بار آن را بشوید، بار اول با خاک.» و در حدیثی دیگر: « إذا ولغ الكلب»، یعنی: « زمانی که سگ زبان بزند (بلیسد)» و جملگی احادیث در این مورد تنها لیسیدن را متذکر شده‌اند و سایر اجزای سگ را بیان ننموده بنابراین نجس بودن آن اجزاء فقط با قیاس بوده است!»[1]

مذاهب اربعه‌رحمهم‌الله و حکم نجاست سگ

نزد مذاهب اربعه‌رحمهم‌الله (حنفیه، مالکیه، شافعیه و حنابله) در خصوص نجس بودن سگ به لحاظ حکم فقهی آن **اختلاف** است.

امام ابن تیمیه‌رحمه‌الله(م۷۲۸هـ) می‌گوید: «علماء در مورد حکم [نجاست یا طهارت] سگ بر سه دیدگاه اختلاف کرده‌اند. **اول**: سگ پاک است، حتی بزاق دهانش، و این مذهب مالک بن انس‌رحمه‌الله است. **دوم**: سگ نجس است حتی موی بدنش و این مذهب شافعی‌رحمه‌الله و قولی از احمد بن حنبل‌رحمه‌الله است. **سوم**: موی بدن سگ پاک بوده لیکن بزاق دهانش نجس است و این مذهب ابوحنیفه‌رحمه‌الله و قولی دیگر از احمد بن حنبل‌رحمه‌الله است. و این صحیح‌ترین اقوال است؛ بنابراین اگر رطوبت موی سگ به لباس یا بدن برخورد داشته باشد موجب نجاست نمی‌شود و اگر به آب لیس بزند، دور ریخته می‌شود.»[2]

---

[1] - مجموع الفتاوی – ابن تیمیة، ج۲۱، ص۶۱۷.

[2]- مجموع الفتاوی – ابن تیمیة، ج۲۱، ص۵۳۰: « وأما الكلب فقد تنازع العلماء فيه على ثلاثة أقوال: أحدها: أنه طاهر حتى ريقه وهذا هو مذهب مالک. والثاني: نجس حتى شعره وهذا هو مذهب الشافعي وإحدى الروايتين عن

- در مذهب امام ابوحنیفه رحمه‌الله، بدن سگ نجس نیست[۱] لیکن پس‌مانده دهان آن نجس است.[۲]
- در مذهب امام مالک رحمه‌الله، بدن و پس‌مانده آب دهان سگ پاک است.[۳]
- در مذهب امام شافعی رحمه‌الله، همه چیز سگ نجس است.[۴]
- در مذهب امام احمد بن حنبل رحمه‌الله، دو دیدگاه وجود دارد: اول: همه چیز سگ نجس است.[۵] دوم اینکه: موی[۶] سگ پاک است لیکن پس‌مانده آب دهان آن نجس است. البته دیدگاه دوم نزد امام ابن تیمیه رحمه‌الله، صحیح‌تر است.[۷]

أحمد. والثالث: شعره طاهر وريقه نجس وهذا هو مذهب أبى حنيفة وأحمد فى إحدى الروايتين عنه وهذا أصح الأقوال. فإذا أصاب الثوب أو البدن رطوبة شعره لم ينجس بذلک وإذا ولغ فى الماء أريق الماء.»

[۱]– ر.ک: رد المحتار على الدر المختار – ابن عابدين، ج۱، ص۲۰۴: « الكلب فبناء على أنه ليس بنجس العين»

[۲]– ر.ک: المحيط البرهانى فى الفقه النعمانى – برهان الدين بن مازة، (ط: ۱، دار الكتب العلمية، بيروت، ۲۰۰۴م)، ج۱، ص۱۲۸؛ البناية شرح الهداية – بدرالدين العينى، ج۱، ص۴۶۹؛ مجمع الأنهر فى شرح ملتقى الأبحر – داماد أفندى، (ط: دار إحياء التراث العربى)، ج۱، ص۳۵.

[۳]– ن.ک: بداية المجتهد ونهاية المقتصد – ابن رشد، (ط: دار الحديث – القاهرة، ۲۰۰۴م)، ج۱، ص۳۶؛ حاشية الصاوى على الشرح الصغير – أبوالعباس الصاوى، (ط: دارالمعارف)، ج۱، ص۸۵.

[۴]– المهذب فى فقة الإمام الشافعى – أبو اسحاق الشيرازى، (ط: دار الكتب العلمية)، ج۱، ص۹۳؛ المجموع شرح المهذب – النووى، ج۲، ص۵۶۷.

[۵]– المغنى لابن قدامة، ج۱، ص۳۵؛ الشرح الكبير على متن المقنع – عبدالرحمن المقدسى، (ط: دار الكتاب العربى للنشر والتوزيع)، ج۱، ص۲۸۴.

[۶]– در نجاست یا پاکی موی سگ میان فقهاء اختلاف است؛ حنفیه و مالکیه و بنابر روایتی از امام احمد، حکم به پاکی داده شده است و همچنین بنابر دیدگاه شافعیه و حنابله، موی سگ نجس است. [ر.ک: الموسوعة الفقهية الكويتية، ج۳۵، ص۱۲۹]

[۷]– الإنصاف فى معرفة الراجح من الخلاف – المرداوى، (ط:۲، دار إحياء التراث العربى)، ج۱، ص۳۱۰؛ حاشية الروض المربع شرح زاد المستقنع – ابن القاسم، (ط: ۱، بی‌جا، ۱۳۹۷هـ)، ج۱، ص۳۴۱.

شستن محل لیسیدن سگ‌ها و رعایت بهداشت

شستن پس‌مانده آب دهان یا محل لیسیدین سگ‌ها در احادیث صحیح بدان امر شده و جمهور فقهاء به واجب بودن آن تصریح نموده‌اند و این تغسیل با اصول بهداشتی نه‌تنها مغایرتی ندارد بلکه کاملاً در راستای رعایت بهداشت و پیشگیری از بیماری‌های انتقالی از سگ‌ها به انسان‌ها است، بنابراین در نگه‌داری از سگ‌هایی که جواز داده شده لازم است به این نکته مهم توجه داشت که سگ‌ها را در محل غذاخوری یا مانند برخی از غربی‌ها با آنها همخوابی می‌کنند نباید نگه‌داری کرد، کارهای چنینی نه‌تنها به منزله‌ی رعایت حقوق سگ‌ها نیست بلکه خود را در معرض بیماری قرار دادن است و این نقض اصول بهداشتی است! بویژه اینکه در غرب استفاده از سگ در واقع بعنوان یک عضو خانواده تلقی شده و گاهی هم‌بازی کودکان بوده و کاملاً در معرض خطر بیماری قرار دارند و لذا با تماس انسان با بزاق سگ‌ها این خطر بیشتر ایجاد می‌شود.

بزاق سگ‌ها دارای انواعی از باکتری‌هاست و لازم است از تماس مستقیم نواحی حساس بدن همچون بینی، دهان و چشم خود با بزاق دهان سگ اجتناب نمود چون جذب این باکتری‌ها از این راه‌ها بیشتر است به نسبت تماس بزاق با پوست دست‌ها.

به گزارش نیویورک تایمز؛ آقای دکتر لنی کاپلان (Leni K. Kaplan) مدرس دانشکده‌ی دامپزشکی دانشگاه کورنل می‌گوید: باکتری‌های موجود در بزاق دهان سگ‌ها قابل انتقال به انسان بوده و موجب بیماری‌های گوارشی می‌شوند.[1]

در بخشی از مقاله‌ای که در سایت مرکز ملی اطلاعات زیست‌فناوری آمریکا منتشر شده: سگ‌ها بعنوان یکی از مهم‌ترین عوامل انتقالی بیماری‌های زئونوزی هستند که صاحبان سگ‌ها باید از تماس مستقیم

1.https://www.nytimes.com/2016/10/22/us/should-you-let-your-dog-lick-your-face.html

با آنها و نیز ادرار و مدفوعشان دوری کنند چراکه اکثر عفونت‌های ویروسی از طریق سگ به انسان منتقل می‌شوند.[۱]

سگ‌های ولگرد و وحشی

برخی از طرفداران حقوق حیوانات شاید بر این باور باشند که نیازی به مقابله با سگ‌های ولگرد و وحشی نیست چراکه این موجودات دوست‌داشتنی، آرام و با وفا هستند برای صاحبانشان، اگر این سخن را هرچند بطور مطلق نمی‌توان پذیرفت اما بصورت نسبی مقبول است لیکن نباید فراموش کرد که سالانه هزاران سگ در جهان خصوصاً در اروپا رها می‌شوند و همین امر برای برخی از کشورهای اروپایی یک بحران جدی تلقی شده[۲] و از طرفی هم تسامح بیش از حد در برخورد با این سگ‌های ولگرد خود معضلی دیگر است بطوری که آمار گازگرفتن که منجر به کشته و مجروح شدن انسان‌ها – که قربانیان غالباً کودکان و نوجوانان هستند – توسط همین سگ‌های ولگرد و وحشی، تعجب همگان را برانگیخته و شاید برای خیلی‌ها که تصوری نیکو از سگ‌ها دارند، این مطلب باور نکردنی باشد! در سایت "dogsbite" آمار تلفات ناشی از گازگرفتن انسان‌ها اعم از کودکان، نوجوانان، بزرگسالان و از مرد و زن، از سال ۲۰۰۵ تا ۲۰۱۸ میلادی، مستنداً بیان شده است.[۳] آماری که فقط در سال ۲۰۱۶، در انگلیس منتشر شده در مدت ده سال حدود ۷۶ درصد افزایش داشته است.[۴]

---

1. Review of bacterial and viral zoonotic infections transmitted by dogs

۲– بی بی سی انگلیسی در گزارشی با عنوان "بحران یونان در مواجهه با یک میلیون سگ ولگرد."

3. https://www.dogsbite.org/dog-bite-statistics-fatality-citations.php

4. Dog attacks surge 76% in England in 10 years.

دو نمونه عینی از خطر سگ‌های وحشی:

- «پلیس در ایالت ویرجینیای آمریکا جزییات مرگ دلخراش زنی را منتشر کرده که مقام‌ها می‌گویند در حمله دو سگش هنگام پیاده روی کشته شده است... پلیس می‌گوید این سگ‌ها از نوع "پیت بول" درحال خوردن بقایای صاحب خود بودند.»[۱]
- «بنابر گزارش پلیس جمهوری چک، یک زن ۶۰ ساله توسط سگ‌هایی که در منزلش نگه‌داری می‌کرد دریده شده و بر اثر جراحات ناشی از حمله سگ‌ها کشته شده است... پلیس جسد خونین این زن را در حالی که هفت سگ بالغ و ۱۷ توله سگ هم در محوطه منزل زن پرسه می‌زدند پیدا کرد.»[۲]

انتقال بیماری هاری از سگ‌ها

بیماری هاری که غالباً عامل انتقال آن از طریق سگ‌ها به انسان بوده نیز در زمره‌ی عوامل مرگ و میرهای وحشتناک انسانی تلقی شده است. گزارشی که "اتحاد جهانی علیه هاری" منتشر کرده نشان می‌دهد سالانه حدود ۵۹ هزار نفر در جهان با ابتلا به این بیماری عفونی در اثر گازگرفتگی سگ جان خود را از دست می‌دهند.[۳] به گزارش بی بی سی فارسی، در ۹۹ درصد موارد، سگ‌های خانگی عامل مرگ و میر انسانی هستند.[۴] سالانه بیش از ۲۰ هزار هندی بر اثر بیماری هاری جان خود را از دست

---

[۱]– بی بی سی فارسی، در گزارشی با عنوان " دختری در ویرجینیا در حمله سگ‌هایش کشته شد"

[۲]– بی بی سی فارسی، در گزارشی با عنوان " سگ‌های گرسنه صاحب خانه خود را کشتند"

[۳]– بی بی سی فارسی، با گزارشی با عنوان هاری 'سالانه ده‌ها هزار قربانی می‌گیرد'

[۴]– منبع قبل.

می‌دهند. ۳۵ درصد مرگ و میرها در هند ناشی از همین بیماریست.[۱] عامل آن نیز سگ‌های ولگرد، گزارش شده است.[۲]

کشتن سگ‌ها

اکنون جا دارد به این شبهه پاسخ داد که مطرح شده پیامبراکرمﷺ به کشتن سگ‌ها فرمان داده و لذا این جنایتی در حق سگ‌هاست که اسلام بدان مرتکب شده است! اما اصل ماجرا چه بوده؟ آیا این فرمان دائمی بوده؟ آیا شامل تمام سگ‌ها می‌شده و برای آن استثنائی وارد شده؟ آیا اصولاً برای سگ‌ها در اسلام حقوقی است بعنوان مخلوق خداوند؟ برای جواب‌دهی به این سؤالات لازم است به احادیث و اقوال علمای اسلامی که در این موضوع وارد شده‌اند مراجعه شود.

- در صحیح بخاری با اسناد، از عبدالله بن عمر رضی الله عنهما روایت است که فرمود: «**أن رسول الله صلى الله عليه وسلم أمر بقتل الكلاب**»[۳] یعنی: «رسول اللهﷺ به کشتن سگ‌ها امر نموده‌اند.» همین حدیث را امام مسلم رحمه الله ذکر نموده در صحیح خود در باب « الأمر بقتل الكلاب، وبيان نسخه، وبيان تحريم اقتنائها إلا لصيد، أو زرع، أو ماشية ونحو ذلك»[۴] یعنی: «امر به کشتن سگ‌ها و بیان **نسخ** آن، و بیان تحریم نگه‌داری از سگ‌ها مگر برای شکار یا کشاورزی یا گله و مانند آن» و احادیثی در امر به قتل و سپس نسخ حکم آن آورده که از خود عبدلله بن عمر رضی الله عنهما این حدیث را نقل کرده است: «**أن رسول الله صلى الله عليه وسلم أمر بقتل الكلاب، إلا كلب**

---

1. https://www.bbc.com/news/world-asia-india-36035456
2. https://www.ncbi.nlm.nih.gov/pmc/articles/PMC1169392

۳- صحیح البخاری، ج۴، ص ۱۳۰ ح۳۳۲۳.

۴- صحیح مسلم، ج۳، ص ۱۲۰۰.

صيد، أو كلب غنم، أو ماشية»[۱] یعنی: «رسول الله ﷺ به کشتن سگ‌ها امر نمودند مگر سگ شکاری یا گله یا نگهبان.»

همان‌طور که ملاحظه می‌شود در این حدیث، حکم اولیه استثناء شده و لذا امر به کشتن در تمام سگ‌ها عمومیت نداشته[۲] و در احادیث دیگر، **نسخِ** صریحِ حکم بیان شده است.

- جابر بن عبدالله رضی الله عنه می‌گوید: «**أمرنا رسول الله صلى الله عليه وسلم بقتل الكلاب، حتى إن المرأة تقدم من البادية بكلبها فنقتله، ثم نهى النبي صلى الله عليه وسلم عن قتلها، وقال: عليكم بالأسود البهيم ذي النقطتين، فإنه شيطان»**[۳] یعنی: «رسول الله ﷺ ما را به کشتن سگ‌ها فرمان دادند تا اینکه اگر زنی با سگش از بیابان می‌آمد، سگش را می‌کشتیم. سپس پیامبر ﷺ از کشتن سگ‌ها نهی نمود و فرمودند: بر شماست کشتن سگ‌های یک‌رنگ سیاه که دارای دو نقطه سفیدی است چونکه آن شیطان است!»
- عبدالله بن مُغَفَّل رضی الله عنه می‌گوید: « **أمر رسول الله صلى الله عليه وسلم بقتل الكلاب، ثم قال: ما بالهم وبال الكلاب؟، ثم رخص في كلب الصيد، وكلب الغنم»**[۴] یعنی: «رسول الله ﷺ به کشتن سگ‌ها امر نمودند سپس فرمودند: آنها را با سگ‌ها چه کار دارند؟ سپس در [نگه‌داری] سگ شکاری و گله رخصت دادند.»

---

[۱]- صحیح مسلم، ج۳، ص۱۲۰۰ ح۱۵۷۱.

[۲]- التمهید – ابن عبدالبر، ج۱۴، ص۲۲۷: « ... الحدیث فی ذلک لیس علی عمومه »

[۳]- صحیح مسلم، ج۳، ص۱۲۰۰ ح۱۵۷۲.

[۴]- صحیح مسلم، ج۳، ص۱۲۰۰ ح ۱۵۷۳.

- در حدیث صحیح دیگر، از پیامبراکرمﷺ روایت است که فرمودند: « **لولا أن الکلاب أمة من الأمم لأمرت بقتلها کلها، فاقتلوا منها کل أسود بهیم**»[۱] یعنی: « اگر سگ‌ها یکی از امّت‌ها نمی‌بودند، به کشتن آنها دستور می‌دادم، پس سگ‌های تمام سیاه را بکشید.»

وجه استدلال: احادیث در خصوص سگ‌ها دو دسته‌اند، دسته اول: امر به کشتن و دسته دوم: نهی از کشتن؛ امر در ابتدا مختص مدینه بوده[۲] و لذا عمومیت نداشته سپس حکمِ امر، منسوخ شده[۳] و از کشتن عموم سگ‌ها نهی شده است.

- امام ابن قتیبه رحمه الله(م۲۷۶هـ) می‌گوید: «اگر پیامبرﷺ به کشتن سگ‌ها در همه حال امر فرموده بودن این موجب نابودی و خشکاندن آثارشان میشد در حالی که سگ‌ها برای انسان‌ها مفید هستند و در حراست منازل و نگهبانی از گله‌ها و مزارعشان و همچنین اتکا بر شکارشان مورد استفاده قرار می‌گیرند و بسیاری از مردمان عرب صحراءنشینان تغذیه و کارشان به این سگ‌ها وابسته است و خداوند متعال فرموده: ﴿فَكُلُوا مِمَّا أَمْسَكْنَ عَلَيْكُمْ﴾[مائده: ۴]، یعنی: « پس از آنچه آنها برای شما گرفته و نگاه داشته‌اند بخورید.» و این دلالت دارد بر اینکه خداوند متعال این سگ‌ها را برای منفعت ما انسان‌ها خلق نموده است.»[۴]

---

[۱]- سنن أبی داود، ج۳، ص۱۰۸ ح۲۸۴۵؛ سنن الترمذی، (ط:۲، مصطفی البابی الحلبی، مصر، ۱۹۷۵م)، ج۴، ص۷۸ ح۱۴۸۶.

[۲]- : ر.ک: شرح السنة للبغوی، (ط:۲، المکتب الإسلامی، دمشق، بیروت، ۱۹۸۳م)، ج۱۱، ص۲۱۲؛ مرقاة المفاتیح شرح مشکاة المصابیح – الملا القاری، (ط: ۱، دار الفکر، بیروت، ۲۰۰۲م)، ج۷، ص۲۲۶۱.

[۳]- ر.ک: الاعتبار فی الناسخ والمنسوخ من الآثار – الحازمی، (ط: ۲، دائرة المعارف العثمانیة، حیدر آباد، الدکن، ۱۳۵۹هـ)، صص ۲۳۴ – ۲۳۶: «باب الأمر بقتل الکلاب ثم نسخه»

[۴]- تأویل مختلف الحدیث – ابن قتیبة الدِّینَوری، (ط: ۲، المکتب الاسلامی، مؤسسة الإشراق، ۱۹۹۹م)، ص۲۰۷.

- امام خطابی﵀(م۳۸۸هـ) می‌گوید: « از بین بردن امّتی از امّت‌ها و معدوم کردن نسلی از مخلوقات بطوری که از آنها چیزی باقی نماند ناپسند است چونکه هیچ مخلوق خداوند نیست مگر اینکه بنوعی حکمت و مصلحتی در آنها وجود دارد، مادام که این چنین است پس کشتن عموم سگ‌ها راهی ندارد لیکن شرورترین سگ‌ها که یک‌رنگ سیاه هستند را بکشید و سائر سگ‌ها را باقی بگذارید تا بوسیله‌ی آنها در حراست و نگهبانی بهره ببرید و گفته می‌شود که سگ سیاه منظور در شرارت و گزنده بودنش است.»[1]
- امام ابن عبدالبر﵀(م۴۶۳هـ) می‌گوید: «گروهی از علماء فرموده‌اند که دستور به کشتن سگ‌ها منسوخ شده بجز سگ سیاه که کشتنش جائز است... و بسیاری از علماء نیز به این رأی رفته‌اند که کشتن هر نوع سگی چه سیاه و غیر سیاه جائز نیست مگر سگِ گزنده و موذی، علماء در توجیه آن فرموده‌اند که دستور به کشتن سگ‌ها نسخ شده و پیامبرﷺ نیز فرمودند: "چیزی که روح دارد و زنده است بیهوده نشانه قرار ندهید." و در این نهی، سگ‌ها و دیگر جانداران داخل هستند.»[2]
- امام ابو المعالی الجوینی﵀(م۴۷۸هـ) می‌گوید: « اگر گفته شد نظر شما در مورد قتل سگ‌ها چیست؟ این‌چنین جواب می‌دهیم: کشتن سگی که دارای نفع باشد و آزاری هم به کسی نرساند جائز نیست و اما سگِ گزنده که باعث آزار رساندن است، پس کشتنش جائز است به خاطر دفع ضرر آن، و رسول الله ﷺ به کشتن سگ گزنده حکم داده و آن را از حیوانات موذی شمرده

---

[1]- معالم السنن – الخطابی، (ط:۱، المطبعة العلمیة، حلب، ۱۹۳۲م)، ج۴، ص۲۸۹.

[2]- الاستذکار– ابن عبدالبر، ج۸، صص۴۹۶ – ۴۹۷: « وقال جماعة من أهل العلم الأمر بقتل الکلاب منسوخ إلا فی الأسود البهیم فإنه یقتل ... وذهب کثیر من العلماء إلی أن لا یقتل من الکلاب أسود ولا غیر أسود إلا أن یکون عقورا مؤذیا وقالوا الأمر بقتل الکلاب منسوخ یقول صلی الله علیه وسلم لا تتخذوا شیئا فیه الروح غرضا فدخل فی نهیه ذلک الکلاب وغیرها»

که قتل آن، چه در احرام و چه غیر آن موردی ندارد و نیز هر سگ گزنده‌ای که برای دفع ضرر به کشتن آن نیاز پیدا شد. و آنچه که منظور ماست مربوط به سگی است که از روی طبیعت خود زیان می‌رساند اما سگ هار در کشتنش نباید درنگ کرد چون شر و زیان آن بسیار بزرگ است. البته سگی که نفعی ندارد و در عین حال ضرری هم نمی‌رساند، کشتنش جائز نیست و در حدیثی صحیح از رسول الله ﷺ آمده که یکبار دستور به کشتن سگ‌ها داد، سپس در حدیث صحیح دیگری آمده که آنحضرت ﷺ از کشتن آن سگ‌ها نهی کرد و این دو حدیث با توجه به تفصیلی که آوردیم (امر ایشان در مورد سگان گزنده و نهی ایشان در مورد سگان بی‌آزار) باقیست و همچنین به کشتن سگی که یکدست سیاه باشد دستور داده و این حکم اول ایشان بود و الآن منسوخ است.»[1]

- امام ابن الجوزی رحمه الله(م۵۹۷هـ) می‌گوید: «دستور پیامبر ﷺ به کشتن سگ‌ها برای مدتی باقی بوده سپس از آن نهی کرد.»[2]
- امام نووی رحمه الله(م۶۷۶هـ) می‌گوید: «حکم به کشتن سگ‌ها؛ اصحاب ما (مذهب شافعیه) فرمودند: اگر سگی گزنده بود، کشتن آن جائز است و اگر گزنده نبود در این حالت جائز نیست کشته شود و فرقی نمی‌کند در آن منفعتی باشد یا نباشد. امام ابوالمعالی الجوینی – ملقب به – امام الحرمین رحمه الله فرموده: امر به کشتن سگ‌ها منسوخ است.»[3]

---

[1]- نهایة المطلب فی درایة المذهب – الجوینی، (ط:۱، دار المنهاج، ۲۰۰۷م)، ج۵، ص۴۹۴.

[2]- کشف المشکل من حدیث الصحیحین – ابن الجوزی، (ط: دار الوطن، الریاض)، ج۱، ص۴۹۳: « أما أمره بقتل الکلاب فقد بقی هذا مدة ثم نهی عن ذلک »

[3]- المنهاج شرح صحیح مسلم بن الحجاج – النووی، ج۳، ص۱۸۶.

- امام ابن عبدالهادی رحمه الله(م۹۰۹هـ) می‌گوید: «نتیجه امر اینکه پیامبر ﷺ [در ابتدا] به کشتن سگ‌ها فرمان داده سپس کشتن آنها را ترک نموده و این نهایت کار بوده و لذا معلوم می‌شود که حکم کشتن سگ‌ها منسوخ شده است.»[۱]

کشتن سگی که در آن منفعت باشد حرام است!

به اتفاق علماء، هر سگی که در آنها نفع و فایده‌ای باشد، مانند سگ شکاری یا تربیت شده یا نگهبان و امثال اینها، کشتن آن جایز نیست و بلکه اگر کسی آن را بکشد بنابر دیدگاه مذهب حنفیه[۲] و مالکیه[۳] لازم است غرامت آن پرداخت شود.[۴]

- امام زین الدین بن نجیم حنفی رحمه الله(م۹۷۰هـ) می‌گوید: «هرموجودی که آزاری نرساند، کشتنش جائز نیست، پس سگ اهلی مادام که موذی نباشد کشتن آن جائز نیست چونکه حکم به کشتن سگ‌ها نسخ شده پس مقید شدن کشتن به موجب موذیگری است.»[۵]
- امام ابن رشد مالکی رحمه الله(م۵۲۰هـ) می‌گوید: « اختلافی نیست در اینکه کشتن سگ گله و شکارچی و مزرعه جائز نیست.»[۶]

---

[۱]- الاغتراب فی أحکام الکلاب – ابن عبدالهادی، ص ۱۱۳.

[۲]-عمدة القاری شرح صحیح البخاری – بدرالدین العینی، (ط: دار إحیاء التراث العربی، بیروت)، ج۱۲، ص۵۹.

[۳]- الاستذکار– ابن عبدالبر، ج۶، ص ۴۳۰.

[۴]- ر.ک: الحاوی الکبیر– الماوردی، (ط:۱، دار الکتب العلمیة، بیروت، ۱۹۹۹م)، ج۵، ص۳۷۵؛ المنهاج شرح صحیح مسلم بن الحجاج – النووی، ج۱۰، ص۲۳۳؛ فقه السنة – سید سابق، (ط:۳، دار الکتاب العربی، بیروت، ۱۹۷۷م)، ج۳، ص۵۶.

[۵]- البحر الرائق شرح کنز الدقائق – ابن نجیم، (ط:۲، دار الکتاب الإسلامی، بی‌تا)، ج۳، ص۳۶؛ همچنین بنگرید به: [رد المحتار علی الدر المختار– ابن عابدین، ج۲، ص۵۷۰]

[۶]- البیان و التحصیل – ابن رشد، (ط:۲، دار الغرب الإسلامی، بیروت، ۱۹۸۸م)، ج۹، ص ۳۵۴.

- امام زین‌الدین العراقی شافعی رحمه الله(م۸۰۶هـ) می‌گوید: «هر سگی که نگه‌داری از آن برای منفعتش جائز شده باشد، [علماء] بر منع کشتن آن اجماع کرده‌اند.»[۱]
- امام ابن قدامه حنبلی رحمه الله(م۶۲۰هـ) می‌گوید: « کشتن سگ تربیت شده، حرام است و عامل آن بدکار و ستمگر است، زیرا محلی که این سگ‌ها در آن نگه‌داری‌اش جائز است دارای منفعت هستند. و تباه کردنش حرام شده است مانند گوسفند؛ در این اختلافی [از علماء] ندیدم. لیکن بر قاتل آن غرامتی نیست، شافعی رحمه الله بدان قائل است و مالک بن انس رحمه الله و عطاء رحمه الله نیز فرمودند: بر قاتل، پرداخت غرامت واجب است.»[۲]

سگ سیاه؛ شیطان است!

در برخی از احادیث وارد است که کشتن سگ سیاه جائز است، زیرا این نوع سگ‌ها شیطان بوده و از این‌رو برای دفع شرشان جائز است آنها را کشت، لیکن باز این نزد فقهاء عمومیت نداشته و بلکه در این خصوص بطور کلی میان فقهاء دو دیدگاه وجود دارد:

دیدگاه اول: تمام احادیث مربوط به کشتن سگ‌ها منسوخ شده و فقط کشتن سگ گزنده و هار جائز است و لذا اگر سگی هرچند سیاه باشد و ضرری نداشته باشد کشتنش جائز نیست و این دیدگاه جمهور فقهای حنفیه، مالکیه و شافعیه است. بنابر همین دیدگاه، شکار توسط سگ‌های سیاه حلال است و منظور از حدیث: «سگ سیاه، شیطان است.»[۳] این نیست که از جنس سگ خارج شوند از این‌رو اگر سگ سیاه ظرفی یا چیزی دیگر را لیس بزند شستن آن واجب است همان‌طور که شستن محل لیسیدن سگ سفید واجب است؛ شافعی رحمه الله و مالک رحمه الله و جمهور علماء بدان معتقد هستند بر خلاف دیدگاه

---

[۱]- طرح التثریب فی شرح التقریب، ج۶، ص۳۲.

[۲]- المغنی لابن قدامة، ج۴، ص۱۶۰.

[۳] – صحیح مسلم، ج۱، ص۳۶۵ ح۵۱۰: « الکلب الأسود شیطان»

احمد بن حنبل‌ﷺ و برخی از شافعیه که شکار سگ سیاه را حلال نمی‌دانند چون آنها سگ سیاه را شیطان می‌دانند.[۱]

أ) مذهب حنفیه

امام سرخسی‌ﷺ(م۴۸۳هـ) می‌گوید: «سگ کُردی و سگ سیاه در استفاده برای شکار [جائز است] هرگاه تربیت شده باشند همانند دیگر سگ‌ها به سبب این فرموده‌ی خداوند متعال: ﴿تُعَلِّمُونَهُنَّ مِمَّا عَلَّمَكُمُ اللَّهُ﴾ [مائده: ۴]، یعنی: « از آنچه خدایتان آموخته، به آنها تعلیم داده‌اید.» اینجا ذکر نموده چون برخی از مردم می‌گفتند که شکار توسط این سگ‌ها جائز نیست!»[۲]

ب) مذهب مالکیه

امام ابن رشد‌ﷺ(م۵۲۰هـ) می‌گوید: «بسیاری از علماء بدین نظر هستند که سگ سیاه یا غیر آن کشتنش جائز نیست مگر سگی که گزنده و موذی باشد و فرموده‌اند که امر به کشتن سگ‌ها منسوخ است.»[۳]

---

[۱]- ر.ک: المنهاج شرح صحیح مسلم بن الحجاج – النووی، ج۱۰، ص۲۳۷؛ امام بدرالدین العینی‌ﷺ می‌گوید: « وعند أبی حنیفة ومالک والشافعی: یحل»، یعنی: «نزد ابوحنیفه‌ﷺ، مالک‌ﷺ و شافعی‌ﷺ شکار توسط سگ سیاه جائز است.» [ر.ک: عمدة القاری، ج۱۵، ص۲۰۲]

[۲]- المبسوط – السرخسی، (دار المعرفة، بیروت، ۱۹۹۳م)، ج۱۱، ص۲۴۲؛ امام طحطاوی‌ﷺ(م۱۲۳۱هـ) می‌گوید: « وقالوا: لا یحل قتل الکلب الأهلی إذا لم یؤذ والأمر بقتل الکلاب منسوخ»، یعنی:«[علمای حنفیه] گفته‌اند: کشتن سگ اهلی اگر موذی نباشد جائز نیست و امر به کشتن عموم سگ‌ها منسوخ شده است.»[ر.ک: حاشیة الطحطاوی علی مراقی الفلاح شرح نور الإیضاح، (ط:۱، دار الکتب العلمیة، بیروت، ۱۹۹۷م)، ص۷۴۴]؛ همچنین بنگرید به: رد المحتار علی الدر المختار – ابن عابدین، ج۲، ص۵۷۰.

[۳]- البیان والتحصیل – ابن رشد، (ط: ۲، دار الغرب الإسلامی، بیروت، ۱۹۸۸م)، ج۹، صص۳۵۴ – ۳۵۵؛ همچنین بنگرید به: [مواهب الجلیل فی شرح مختصر خلیل – الحطاب الرعینی، (ط: ۳، دار الفکر ، ۱۹۹۲م)، ج۳، ص۲۳۷]

پ) مذهب شافعیه

امام نووی رحمه الله(م۶۷۶هـ) می‌گوید: «اصحاب ما (شافعیه) فرموده‌اند: سگ گزنده و هار کشته می‌شوند به دلیل این حدیث صحیح رسول الله ﷺ که فرمودند: "پنج حیوان موذی چه در احرام و غیراحرام کشتن‌شان جائز است از جمله سگ گزنده" اصحاب ما فرموده‌اند: اگر سگی گزنده و هار نباشد پس جائز نیست آن را کشت؛ فرقی نمی‌کند که در آن سگ نفعی باشد یا نه و همچنین فرقی نمی‌کند سگ سیاه باشد یا نه، در همه این موارد بین اصحاب ما اختلافی نیست و از علمائی که بدان تصریح نموده‌اند، قاضی حسین رحمه الله و امام الحرمین رحمه الله هستند. امام الحرمین رحمه الله فرموده: امر به کشتن سگ سیاه و غیر آن همگی منسوخ شده لذا امروزه کشتن سگ‌ها چه سیاه و چه غیر سیاه جائز نیست مگر سگ هار و گزنده.»[1]

دیدگاه دوم: کشتن سگ‌ها بطور عموم منسوخ شده بجز سگ گزنده و سیاه که این دو نوع سگ کشتن‌شان جائز است و حنابله بر این دیدگاه هستند. در اینجا نظر به «جواز» کشتن سگ سیاه است نه «وجوب» آن، لذا امام ابن مفلح رحمه الله(م۷۶۳هـ) می‌گوید: «کسی را نیافتم که به "وجوب" کشتن آن تصریح نموده باشد.»[2] امام ابن قدامه رحمه الله(م۶۲۰هـ) می‌گوید: «کشتن آنچه (حیوانی) که نگه‌داری‌اش جائز نیست؛ اگر سگ سیاه باشد، کشتنش جائز بوده چون این سگ، شیطان است و همچنین کشتن سگ گزنده جائز است. بنابراین هر دو نوع این سگ‌ها کشته می‌شوند هرچند تربیت شده باشند و بنابر

---

[1]- المجموع شرح المهذب – النووی، ج۹، ص۲۳۵.

[2]- الفروع لابن مفلح، (ط:۱، مؤسسة الرسالة، ۲۰۰۳م)، ج۱۰، ص۴۱۶: « ولم أجد أحدا صرح بوجوب قتله»؛ همچنین بنگرید به: [الإنصاف – المرداوی، ج۱۰، ص۴۲۹]

قیاس بر سگ گزنده، هر حیوانی که ضرر به جان و مال مردم برساند پس کشتن آن جائز است، زیرا موذی هستند و نفعی ندارند و اگر ضرری نداشته باشند در این صورت کشتن آ جائز نیست.»[۱]

منظور از شیطان بودن سگ سیاه چیست؟

از اینکه در برخی از احادیث از سگ سیاه به شیطان تعبیر شده عموماً دو دیدگاه وجود دارد؛ برخی گفته‌اند که در اینجا منظور شیطان حقیقی است که خود را به شکل سگ سیاه در می‌آورد[۲] لیکن برخی دیگر از علماء معتقداند که منظور از شیطان بودن سگ سیاه در شرارت، مضر و کم‌فایده بودن آن است و این دیدگاه به صواب نزدیک‌تر است به دلایل ذیل:

۱) اهل لغت می‌گویند: «شیطان اسمی است برای هر موجود شرور، فاسد و سرکش از جن و انسان و حیوان.»[۳]

---

[۱]- ر.ک: المغنی لابن قدامة، ج۴، ص۱۹۱.

[۲]- ر.ک: إعلام الموقعین عن رب العالمین - ابن القیم، (ط:۱،دار الکتب العلمیة، بیروت، ۱۹۹۱م)، ج۲، ص۶۷: «"الکلب الأسود شیطان"، وهذا إن أرید به أن الشیطان یظهر فی صورة الکلب الأسود کثیرا کما هو الواقع فظاهر»، یعنی: «سگ سیاه شیطان است؛ این اگر منظور از آن شیطان است که به شکل سگ سیاه زیاد ظاهر می‌شود همان‌گونه که در امر واقع و ظاهر چنین است...»

[۳]- مفردات راغب اصفهانی - مترجم: جهانگیر ولدبیگی، (سنندج، آراس، ۱۳۸۹)، ص۲۶۴؛ همچنین بنگرید به: [مجاز القرآن - أبو عبیدة، (ط: مکتبة الخانجی، القاهرة، ۱۳۸۱هـ)، ج۱، ص۳۲؛ الصحاح تاج اللغة وصحاح العربیة - الجوهری، (ط:۴، دار العلم للملایین، بیروت، ۱۹۸۷م)، ج۵، ص۲۱۴۴؛ مختار الصحاح - زین الدین الرازی، (ط:۵، المکتبة العصریة - الدار النموذجیة، بیروت، صیدا، ۱۹۹۹م)، ص۱۶۵؛ لسان العرب - ابن منظور، (ط:۳، دار صادر، بیروت، ۱۴۱۴هـ)، ج۱۳، ص۲۳۸] - « وکل عات متمرد من الجن والإنس والدواب شیطان»

۲) عرب برخی از حیوانات را شیطان اسم نهاده مانند مار.[۱]

۳) ابوهریره رضی‌الله‌عنه می‌گوید: « **أن رسول الله صلى الله عليه وسلم: رأى رجلا يتبع حمامة فقال: شيطان يتبع شيطانة**»[۲] یعنی: «رسول الله ﷺ مردی را دید کبوتری را دنبال می‌کند، آنحضرت ﷺ فرمودند: شیطانی به دنبال شیطان دیگری است.» با توجه به این حدیث، این مردی که در پی کبوتر بوده به شیطان تعبیر شده به سبب دوری‌اش از حق و مشغول شدن به چیزی که به کارش نمی‌آید و همچنین این کبوتر به شیطان اسم برده شده چونکه برای آن شخص، غفلت از یاد خداوند را در پی داشته است.[۳] بنابراین شیطان بودن این مرد یا این کبوتر به معنای شیطان حقیقی نیست و در مورد سگ سیاه نیز می‌توان همین تعبیر شیطان بودن را حمل بر کم خیری و دوری از سودمندی آن به نسبت سائر سگ‌ها دانست.

- امام بغوی رحمه‌الله(م۵۱۶هـ) می‌گوید: «قرار دادن سگ سیاه بعنوان شیطان به سبب خباثت آنهاست چونکه این نوع سگ‌ها مضرترین و گزنده‌ترین سگ‌هاست و همچنین سریع‌ترین است در نوع خودش با این وجود کم‌ترین منفعت را دارد و بدترین نگهبان است و دورترین سگ‌ها به سگ شکاری است و بیش‌ترین خمیازه را دارد.»[۴]

---

[۱]- ر.ک: الصحاح تاج اللغة وصحاح العربية - الجوهری، ج۵، ص۲۱۴۴؛ مختار الصحاح - زین الدین الرازی، ص۱۶۵: « العرب تسمی الحية شيطانا»

[۲]- سنن أبی داود، ج۴، ص۲۸۵ ح۴۹۴۰؛ سنن ابن ماجه، (ط: دار إحياء الكتب العربية، فيصل عيسى البابی الحلبی)، ج۲، ص۱۲۳۸ ح۳۷۶۵؛ حدیث حسن.

[۳]- ر.ک: عون المعبود شرح سنن أبی داود - العظیم آبادی، (ط:۲، دار الكتب العلمية، بیروت، ۱۴۱۵هـ)، ج۱۳، ص۱۹۴.

[۴]- شرح السنة - البغوی، ج۱۱، ص۲۱۲.

- امام ابن رشد مالکی رحمه الله(م۵۲۰هـ) می‌گوید: «شیطان بودن سگ سیاه؛ یعنی، از خیر و فایده بدور و به شر و زیان و آزار نزدیک باشد و این در مورد شیاطین جن و انس نیز صدق می‌کند. علماء گفته‌اند: این فرموده‌ی پیامبر صلی الله علیه وسلم "سگ سیاه شیطان است." دلیلی بر وجوب کشتن آن نیست، زیرا شیاطین انس و جن نیز بسیار هستند در حالی که کشتن آنها واجب نیست؛ رسول‌الله صلی الله علیه وسلم مردی را دید کبوتری را دنبال می‌کند، آنحضرت صلی الله علیه وسلم فرمودند: "شیطانی به دنبال شیطانی دیگر است."»[۱]
- امام ابن عبدالبر رحمه الله(م۴۶۳هـ) می‌گوید: «این فرموده‌ی پیامبر صلی الله علیه وسلم "سگ سیاه، شیطان است." دلیلی بر کشتن آن نیست چراکه شیاطین جن و انس به کشتن‌شان امر نشده است.»[۲]
- امام ابن قیم رحمه الله(م۷۵۱هـ) می‌گوید: «اگر منظور از آن این است که سگ سیاه شیطان سگهاست پس این در هر نوع از انواع حیوانات شیاطینی وجود دارد و آن همان موجود شرور و سرکش است همان‌طور که شیاطین انسان‌ها موجودات شرور و سرکش هستند و شتر نیز شیطان (سرکش‌ترین) چهارپایان اهلی است و بر سرِ هر شتری شیطانیست.»[۳]
- امام بدرالدین الشبلی رحمه الله(م۷۶۹هـ) می‌نویسد: «قاضی ابولیلی رحمه الله گوید: اگر گفته شود مفهوم این فرموده پیامبر صلی الله علیه وسلم چیست که "سگ سیاه، شیطان است" در حالی که معلوم است که آن از سگ متولد شده و همچنین این فرموده حضرت صلی الله علیه وسلم که "شتر از جن است" در صورتی که آن هم از شتر متولد شده است؟ جواب داده می‌شود: این از باب تشبیه به جن است چونکه سگ سیاه، شرورترین سگ‌ها و کم‌ترین فایده را دارد و شتر نیز به جن تشبیه شده به سبب سرسختی و

---

[۱]- ر.ک: البیان والتحصیل – ابن رشد، ج۹، صص۳۵۴ – ۳۵۵.

[۲]- الاستذکار – ابن عبدالبر، ج۸، ص۴۹۸.

[۳]- إعلام الموقعین عن رب العالمین – ابن القیم، ج۹، ص۶۷.

یاغی بودنش است همان‌طور که گفته می‌شود فلانی شیطان است هرگاه سرسخت و شرور باشد.»[۱]

- امام عبدالرؤوف مناویﷺ(م۱۰۳۱هـ) می‌گوید: «سگ سیاهی که بطور خالص سیاه است شیطان اسم گذاشته شده به این خاطر بوده که خبیث‌ترین سگهاست و کم‌ترین منفعت را دارد و در بین سگ‌ها بیش‌ترین خمیازه را می‌کشد از این‌رو امام احمد بن حنبلﷺ فرموده شکار بوسیله‌ی این سگ‌ها جائز نیست.»[۲]

دفاع از سگ‌ها در برابر حوادث زیان‌بار

بنابر دیدگاه فقهاء، دفع ضرر از سگ‌های غیرگزنده و همچنین حفظ حیات آنها «واجب» است[۳] به دلیل این حدیثی که ابوهریرهﷺ روایت کرده که گوید: « رسول اللهﷺ فرمودند: مردی در راهی می‌رفت و به شدت تشنه شد. آنگاه چاه آبی را یافت، به داخل چاه رفت و آب نوشید؛ سپس بیرون آمد. ناگهان دید که سگی به علت تشنگی زبانش بیرون شده و خاک‌ها را می‌خورد. آن مرد گفت: این سگ به حدی تشنه است که من تشنه بودم. آنگاه داخل چاه رفت و موزه‌اش را از آب پر نمود و با دهانش آن را گرفت و از چاه بالا آمد و به سگ آب داد. آنگاه خداوند متعال عمل او را پسندید و

---

[۱]- آکام المرجان فی أحکام الجان – الشبلی، (ط: مکتبة القرآن، مصر، القاهرة)، صص۴۵ – ۴۶؛ همچنین بنگرید به: [مرقاة المفاتیح شرح مشکاة المصابیح – الملا القاری، ج۷، ص۲۲۶۱]

[۲]- التیسیر بشرح الجامع الصغیر – المناوی، (ط:۳، مکتبة الإمام الشافعی، الریاض، ۱۹۸۸م)، ج۲، ص۲۲۷.

[۳]- ر.ک: الموسوعة الفقهیة الکویتیة، ج۳۵، ص۱۳۴.

گناهانش را بخشید. گفتند: ای رسول الله! آیا در رسیدگی به حیوانات زبان بسته به ما پاداش می‌رسد؟ فرمود: کمک کردن به هر موجود زنده‌ای موجب پاداش است.»[۱]

- جمهور فقهاء فرموده‌اند: «اگر مسلمانی فقط آب کافی برای وضویش داشته باشد و در عین حال حیوانی محترم مانند سگ همراه وی باشد که تشنه است، واجب است که این مسلمان به جای وضو با آب، تیمم کند و آب را به آن حیوان بدهد.»[۲]
- امام نووی ﷺ(م۶۷۶هـ) می‌گوید: « همان‌گونه که بخشیدن مال برای زنده ماندن انسانی که معصوم الدم است واجب است، بخشیدن مال نیز برای زنده ماندن حیوانات محترم واجب است هرچند مالک آن دیگری باشد. اگر شخصی سگِ گرسنه – غیر گزنده– و گوسفندی همراه داشته باشد، واجب است که گوسفند را ذبح کند و آن سگ را غذا دهد.»[۳]

---

[۱]– صحیح البخاری، ج۳، ص۱۱۱ ح۲۳۶۳؛ صحیح مسلم، ج۴، ص۱۷۶۱ ح۲۲۴۴: «عن أبی هریرة رضی الله عنه: أن رسول الله صلى الله علیه وسلم قال: " بینا رجل یمشی، فاشتد علیه العطش، فنزل بئرا، فشرب منها، ثم خرج فإذا هو بکلب یلهث یأکل الثرى من العطش، فقال: لقد بلغ هذا مثل الذی بلغ بی، فملأ خفه، ثم أمسکه بفیه، ثم رقی، فسقى الکلب، فشکر الله له، فغفر له "، قالوا: یا رسول الله، وإن لنا فی البهائم أجرا؟ قال: فی کل کبد رطبة أجر»

[۲]– حاشیة الدسوقی على الشرح الکبیر، (ط: دار الفکر، بی‌تا)، ج۱، ص۱۶۲؛ المجموع – النووی، ج۲، ص۲۴۵؛ مراقی الفلاح شرح متن نور الإیضاح –الشرنبلالی، (ط:۱، المکتبة العصریة، ۲۰۰۵م)، ص۵۱؛ رد المحتار على الدر المختار– ابن عابدین، ج۱، ص۲۳۴؛ کشاف القناع عن متن الإقناع – البهوتی، (ط: دار الکتب العلمیة)، ج۱، ص۱۶۴.

[۳]– روضة الطالبین وعمدة المفتین – النووی، (ط:۳، المکتب الإسلامی، بیروت، دمشق، عمان، ۱۹۹۱م)، ج۳، ص۲۸۸؛ المجموع شرح المهذب – النووی، ج۹، ص۴۸: « کما یجب بذل المال لإبقاء الآدمی المعصوم، یجب بذله لإبقاء البهیمة المحترمة، وإن کان ملکا للغیر... ولو کان لرجل کلب غیر عقور جائع وشاة، لزمه ذبح الشاة لإطعام الکلب.»

عنایت مسلمین به حیوانات

اولین اعلامیه در رابطه با مهربانی و رحمت با حیوانات که در مبانی تمدن ما اعلام شده، این است که عالَم حیوانات همانند عالَم انسان‌ها دارای ویژگی، طبیعت و شعور است. خداوند متعال فرموده: ﴿**وَمَا مِنْ دَابَّةٍ فِي الأَرْضِ وَلا طَائِرٍ يَطِيرُ بِجَنَاحَيْهِ إِلاَّ أُمَمٌ أَمْثَالُكُمْ**﴾ [انعام: ۳۸]، یعنی: « و هیچ جنبنده‌ای در زمین نیست و نه هیچ پرنده‌ای که با دو بال خود پرواز می‌کند؛ مگر آنکه آنها [نیز] گروه‌هایی مانند شما هستند.» و حیوانات نیز مانند انسان‌ها حق مهربانی و ترحم را دارند چنان‌چه پیامبراکرمﷺ فرمودند: «**الراحمون يرحمهم الرحمن** »[۱] یعنی: «خداوند به رحم کنندگان رحم می‌کند.» و همچنین آنحضرتﷺ فرمودند: « **من أعطي حظه من الرفق، فقد أعطي حظه من خير الدنيا والآخرة**»[۲] یعنی: « هر که را از ملایمت بهره داده‌اند، از نیکی دنیا و آخرت بهره‌اش داده‌اند.» بلکه مهربانی با حیوانات موجب داخل شدن صاحب آن به بهشت می‌شود همان‌طور که قساوت و بدرفتاری با حیوانات نیز موجب وارد شدن عامل آن به آتش جهنم می‌شود.[۳] بسیار شنیده شده که اروپایی‌ها و غربی‌ها نسبت به حقوق حیوانات توجه خاصی داشته و در امور زندگی به آنها وابسته‌اند و به دفاع از آنها مبادرت می‌ورزند بطوری که اگر کسی با حیوانی بدرفتاری کرده باشد او را تا پای محکمه‌ی قاضی خواهند برد و وی را مجازات می‌کنند. هرچند این عمل نیکو و پسندیده است لیکن این نوع کارها تازگی ندارد و از قرون گذشته در بین مسلمانان رایج بوده و دانشمندان اسلامی در این زمینه مقالات و کتاب‌ها نوشته‌اند و به نصوص شرعی و اقوال علماء استناد نموده‌اند. در این زمینه جا دارد به بخشی از این موارد اشاراتی

---

[۱]- مسند الإمام أحمد بن حنبل، (ط:۱، مؤسسة الرسالة، ۲۰۰۱م)، ج۱۱، ص۳۳ ح۶۴۹۴؛ سنن أبی داود، ج۴، ص۲۸۵ ح۴۹۴۱؛ سنن الترمذی، ج۴، ص۳۲۳ ح۱۹۲۴.

[۲]- مسند الإمام أحمد بن حنبل، ج۴۲، ص۱۵۳ ح۲۵۲۵۹؛ سنن الترمذی، ج۴، ص۳۶۷ ح۲۰۱۳.

[۳]- ر.ک: مقتطفات من کتاب من روائع حضارتنا – مصطفی السباعی، صص۱۷۷ – ۱۷۸.

داشته باشیم تا برای برخی از مسلمانان فریب‌خورده که نسبت به موضوع «حقوق حیوانات در اسلام» تردید دارند سبب اطمینان و برای کسانی هم که جانب عناد و دشمنی را گرفته‌اند نیز خاری در چشم باشد و حساب آنان را به خداوند متعال واگذار می‌کنیم!

أ) امام ابوبکر المحولی رحمه الله متوفی ۳۰۹ هـ‍ـق، مصادف با ۹۱۱م، یعنی، حدود ۱۲ قرن پیش، کتابی با عنوان «فضل الکلاب علی کثیر ممن لبس الثیاب»، یعنی: «برتری سگ‌ها بر بسیاری از کسانی که لباس می‌پوشند.» تألیف نموده که در آن برخی از احادیث نبوی ﷺ و اقوال صحابه رضی الله عنهم و علماء رحمهم الله در خصوص تعامل و احترام به سگ‌ها را نقل کرده است. وی بیان داشته که «سگ دارای منافع و فضایل زیادیست بطوری که همیشه قاضیان، فقهاء، والیان، عابدان و زاهدان که امر به معروف و نهی از منکر می‌کنند با وجود این که می‌دیدند که از سگ‌ها جلوی درب خانه‌ها و زمین‌ها نگه‌داری می‌شود لیکن بر آن ایراد نمی‌گرفتند و چنان‌چه اگر می‌دانستند که این کار درست نیست قطعاً بر آن ایراد می‌گرفتند و از آن نهی می‌کردند در حالی که نزد آنان اگر کسی سگی را می‌کشت مجازات داشت از این‌رو امر به کشتن سگ‌ها در گذشته معنای خاصی داشته و دارای علتی بوده و اکنون این سگ‌ها از آن بدور هستند.»[1]

بطور نمونه از این کتاب مذکور می‌خوانیم:

- روزی عمر بن خطاب رضی الله عنه مردی بادیه نشین را دید که با خود سگی را همراه دارد. عمر رضی الله عنه به او فرمود: این چیست که همراهت است؟ آن مرد گفت: ای امیر المؤمنان، این بهترین همراه

---

[1] – فضل الکلاب علی کثیر ممن لبس الثیاب، ص۴۳.

است که اگر به او چیزی بدهی تشکر می‌کند و اگر چیزی را هم از او منع کنی صبر می‌کند! عمر بن خطاب رضی الله عنه فرمود: «بهترین رفیق است پس آن را نگه‌دار.»[۱]

- عبدالله بن عباس رضی الله عنهما فرموده: «سگ با وفاء، بهتر از انسان خائن است.»[۲]
- عامر شعبی رحمه الله فرموده: «بهترین خصلت سگ این است که در دوستی‌اش نفاق نیست.»[۳]
- جعفر بن سلیمان رحمه الله گوید: مالک بن دینار رحمه الله را دیدم که سگی به همراه دارد. به او عرض کردم این چیست؟ فرمود: «این [سگ] بهتر از همنشین بد است.»[۴]

ب) امام عزالدین بن عبدالسلام رحمه الله متوفی ۶۰۶هـ‍ـق، مصادف با ۱۲۶۲م، یعنی، حدود ۹ قرن پیش، منشوری باعنوان «حقوق البهائم والحیوان على الإنسان»، یعنی: «حقوق چهارپایان و حیوانات بر انسان» در کتاب "قواعد الاحکام" گنجانده و چندین بند حقوقی در خصوص تعامل با حیوانات را بیان داشته است! مفاد این منشور به قرار ذیل است:

- « حقوق چهارپایان و جانداران بر انسان؛ از جمله این حقوق اینست که (۱) اگر حیوان چنان از کار افتاده یا مریض شد که از او هیچ سودی نمی‌برد به اندازه حیوان سالم برایش خرج کند. (۲) و بر آن، چنان باری حمل نکند که بیشتر از طاقتش باشد. (۳) و حیوان را با شکستگی، شاخ زدگی یا جراحت با حیوانی از جنس خودش یا غیر جنسش یکجا نگذارد. (۴) و همچنین باید حیوان را به وجه احسن ذبح کند. (۶) و قبل از اینکه حیاتش کاملاً زائل شود و بدنش سرد شود پوستش را نکشد (۷) و استخوانش را نشکند (۸) و همچنین نباید بچه حیوان را در جلوی

---

[۱]- منبع قبل، صص ۳۵ – ۳۶.

[۲]- منبع قبل، ص ۳۶.

[۳]- منبع قبل.

[۴]- منبع قبل.

مادرش بکشد بلکه تنها و بدون حضور حیوانی دیگر، چنان کند (۹) و آغل و آخور آنها را تمیز نگه دارد. (۱۰) و نر و ماده را به هنگام آوردنش جمع کند. (۱۱) و از سهمیه خوراکش محروم نگرداند (۱۲) و آن را با سنگی نزند که موجب شکستن استخوانش گردد (۱۳) و کاری نکند که موجب حرام شدن حیوان شود.»[۱]

- امام ابن قدامه رحمه الله (م ۶۲۰هـ) می‌گوید: « هرکس مالک چهارپایان است واجب است که به امور آنها رسیدگی کند و مخارج و نیازهایشان را از علوفه یا محل چراگاهشان را تأمین نماید و اگر مالک از این کار امتناع کند بدان اجبار می‌شود و اگر سرباز زد و یا در انجام آن عاجز باشد در این صورت باید آن حیوان را بفروشد یا اگر جزء جاندارانی است که قابل ذبح است (حلال گوشت) پس باید ذبح شود. بنابراین تأمین مخارج حیوان بر مالک آن واجب است و بر ولیّ امر لازم است که او را بدان کار مجبور کند.»[۲]
- امام حجاوی رحمه الله (م۹۶۸هـ) در بیان حقوق حیوانات می‌گوید: « (۱) آب و غذا دادن حیوانات بر مالک لازم است حتی اگر از کار افتاده باشند تا اینکه بهبودی پیدا می‌کنند. (۲) بر او (مالک) لازم است که بدان‌ها توجه نماید، (۳) برایشان هزینه کند (۴) و کسی را برای نگه‌داری از آنها بگمارد (۵) و حرام است که بیش از توانشان از آنها کار بکشد (۶) و در صورت زیان به بچه‌های حیوانات از شیرشان بدوشد (۷) و برای شیردوشنده سنت است که ناخن‌هایش را کوتاه کند مبادا که پستان آنها را زخمی نماید. (۸) همچنین بر او (مالک) لازم است که آنها را به مکانی دور از آزاررسانی مردم ببرد (۹) و داغ نهادن بر حیوان جز به منظور مداوا حرام است (۱۰) و عقیم کردن آنها (جز گوسفند و خروس) مکروه است (۱۱) و آویزان کردن زنگوله و طناب و

---

[۱]- قواعد الأحکام فی مصالح الأنام – ابن عبد السلام، (ط: مکتبة الکلیات الأزهریة، القاهرة، ۱۹۹۱م)، ج۱، ص۱۶۷.

[۲]- ر.ک: المغنی لابن قدامة، ج۸، ص۲۵۷.

بریدن بخشی از جسم حیوان همچون دُم بعنوان نشانه مکروه است (۱۲) و لعن و نفرین حیوان حرام است (۱۳) و اگر شخص از هزینه کردن برای حیوان سر باز زد بر آن کار مجبور می‌شود (۱۴) اما اگر بازهم خودداری نمود یا عاجز بود مجبور به فروش یا اجاره یا ذبح حیوان می‌گردد (۱۵) و اگر بازهم [مالک] نپذیرفت حاکم انجامش می‌دهد (۱۶) و جایز است که از حیوان برای حمل بار یا سواری استفاده نمود (۱۷) و جایز نیست که حیوان بیمار را کشت یا سر برید با این استدلال که راحت می‌شود (۱۸) و کسانی که از سگ مباح [مانند نگهبان یا شکاری یا تعلیم دیده و ...،] نگه‌داری می‌کنند باید بدان خوراک دهند (۱۹) و زندانی نمودن حیوانات تا اینکه از گرسنگی هلاک می‌شوند حرام است (۲۰) و حیواناتی که کشتن‌شان مباح است را بایستی به بهترین شیوه کشت.»[1]

پ) امام ابن حجر هیتمی؇ متوفی ۹۷۴هـ‍ـق، مصادف با ۱۵۶۷م، یعنی حدود ۶ قرن پیش، در کتاب «الزواجر عن اقتراف الکبائر»[2] هرگونه شکنجه و تعذیب حیوانات را با استناد به نصوص شرعی جزء گناهان‌کبیره - که عامل آن وعید به عقاب داده شده - معرفی نموده است.

از گناهان کبیره، شکنجه کردن حیوانات، مانند اینکه چیزی از بینی یا گوش و امثال آن را قطع کرد و یا صورت حیوان را داغ کرد و آن را بی‌هدف کشتن بدون نیاز به خوردن، و اینکه کشتن یا ذبح حیوان با احسان نباشد.

---

[1]- الإقناع فی فقه الإمام أحمد بن حنبل - الحجاوی، (ط: دار المعرفة، بیروت)، ج۴، صص۱۵۵ - ۱۵۶؛ کشاف القناع عن متن الإقناع - البهوتی، (ط: دار الکتب العلمیة)، ج۵، ص۴۹۳ - ۴۹۴.

[2]- الزواجر عن اقتراف الکبائر - ابن حجر الهیتمی، (ط:۱، دار الفکر، ۱۹۸۷م)، ج۱، صص۳۴۷ - ۳۴۹.

- ابن عمر رضی الله عنهما می‌گوید: از رسول الله صلی الله علیه و سلم شنیدم فرمودند: « **من مثل بذي روح، ثم لم يتب مثل الله به يوم القيامة**»[۱] یعنی: «هر کس جانداری را شکنجه دهد سپس توبه نکند، خداوند روز قیامت در جزای آن او را عذاب می‌دهد.»
- جابر بن عبدالله رضی الله عنه می‌گوید: «**أن النبي صلى الله عليه وسلم مر عليه حمار قد وُسم في وجهه فقال: لعن الله الذي وسمه**»[۲] یعنی: « پیامبر صلی الله علیه و سلم بر الاغی گذشت که بر صورتش داغ نهاده بودند، آنحضرت صلی الله علیه و سلم فرمودند: خداوند لعنت کند کسی را که آن را داغ کرده است.» به اجماع علماء داغ کردن صورت به سبب ورود این حدیث از آن نهی شده و نهی مقتضی تحریم است، زیرا پیامبر صلی الله علیه و سلم فاعل آن را لعن کرده است.[۳]
- ابن عباس رضی الله عنهما می‌گوید: « **لا تتخذوا شيئا فيه الروح غرضا**»[۴] یعنی: « چیزی که روح دارد و زنده است بیهوده نشانه قرار ندهید.» علماء فرموده‌اند: «صبر بهائم، یعنی اینکه حیوان محبوس شود در حالی که زنده است و با تیر انداختن و امثال آن کشته شود و این همان مفهوم حدیث: "لا تتخذوا شيئا..." است، و بدین معناست که حیوان زنده‌ای را بی‌هدف و بیهوده مانند به قصد

---

[۱]- مسند الإمام أحمد بن حنبل، ج۹، ص۴۷۳ ح۵۶۶۱؛ رجال و راویان این حدیث از ثقات و معتمدین هستند. [ر.ک: فتح الباری – ابن حجر، ج۹، ص۶۴۴؛ مجمع الزوائد و منبع الفوائد – الهیثمی، (ط: مکتبة القدسی، القاهرة، ۱۹۹۴م)، ج۴، ص۳۲ ح۶۰۲۶]

[۲]- صحیح مسلم، ج۳، ص۱۶۷۳ ح۲۱۱۷.

[۳]- المنهاج شرح صحیح مسلم بن الحجاج – النووی، ج۱۴، ص۹۷: « وأما الوسم فی الوجه فمنهی عنه بالإجماع للحدیث... إلی تحریمه وهو الأظهر لأن النبی صلی الله علیه وسلم لعن فاعله واللعن یقتضی التحریم»

[۴]- صحیح مسلم، ج۳، ص۱۵۴۹ ح۱۹۵۷.

پوست حیوان و چیزهای شبیه آن در مواجهه تیراندازی قرار ندهید و این نهی برای تحریم است.»[۱]

- سعید بن جبیر رحمه الله می‌گوید: ابن عمر رضی الله عنهما از کنار چند نفر عبور کرد که پرنده‌ای را حبس کرده بودند و داشتند به سمت آن تیر می‌انداختند، وقتی ابن عمر رضی الله عنهما را دیدند بلافاصله پراکنده شدند، ابن‌عمر رضی الله عنهما فرمود: «**من فعل هذا؟ إن رسول الله صلى الله عليه وسلم لعن من فعل هذا**»، یعنی: «چه کسی این کار را کرده؟ همانا رسول الله صلی الله علیه وسلم فاعل این عمل را لعن کرده است!»[۲]
- ابوهریره رضی الله عنه می‌گوید: «**أن رسول الله صلى الله عليه وسلم قال: عذبت امرأة في هرة سجنتها حتى ماتت فدخلت فيها النار، لا هي أطعمتها وسقتها، إذ حبستها، ولا هي تركتها تأكل من خشاش الأرض**»[۳] یعنی: « همانا رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند: زنی به خاطر گربه‌ای که آن را زندانی کرده بود تا اینکه مُرد، عذاب داده شد و به آتش دوزخ گرفتار گردید، آن زن نه به گربه غذا می‌داد و نه او را سیراب می‌نمود و نه می‌گذاشت از حشرات و جانوران زمین تغذیه کند.» این حدیث دلیلیست بر تحریم کشتن گربه و سائر جانوران مشابه آن و همچنین تحریم محبوس کردن آنها بدون غذا و آب است، زیرا این کار باعث تعذیب و شکنجه مخلوقات خدا می‌شود و شارع مقدس از آن نهی نموده است.[۴] و این زن، مسلمان بوده که به سبب این عملش جهنمی

---

[۱]- المنهاج شرح صحيح مسلم بن الحجاج – النووی، ج۱۳، ص۱۰۸: « قال العلماء صبر البهائم أن تحبس وهی حية لتقتل بالرمی ونحوه وهو معنى لا تتخذوا شيئا فيه الروح غرضا أی لا تتخذوا الحيوان الحی غرضا ترمون إليه كالغرض من الجلود وغيرها وهذا النهی للتحريم»

[۲]- صحيح البخاری، ج۷، ص۹۴ ح۵۵۱۵؛ صحيح مسلم، ج۳، ص۱۵۴۹ ح۱۹۵۸.

[۳]- صحيح مسلم، ج۴، ص۱۷۶۰ ح۲۲۴۲؛ این حدیث از طریق عبدالله بن عمر رضی الله عنهما نیز روایت شده است. [ر.ک: صحيح البخاری، ج۳، ص۱۱۲ ح۲۳۶۵]

[۴]- نيل الأوطار – الشوكانی، (ط:۱، دار الحديث، مصر، ۱۹۹۳م)، ج۷، ص۷.

شده است و این معصیت و گناه کوچکی نیست بلکه با اصرار برآن به گناه بسیار بزرگی تبدیل شده است. همچنین باتوجه به این حدیث خرجی حیوان بر مالک آن واجب است.[۱]

- سهل بن الحَنظلیِّة رضی الله عنه می‌گوید: رسول الله صلی الله علیه وسلم از کنار شتری که شکمش [از فرط گرسنگی] به پُشتش چسپیده بود عبور کرد و فرمودند: «**اتقوا الله في هذه البهائم المعجمة، فاركبوها صالحة، وكلوها صالحة**»[۲] یعنی: « در حق این حیوانات زبان بسته، از خدا بترسید؛ بر سواری آنها، بطور شایسته‌ای سوار گردید و حلال آن را نیز به گونه‌ای شایسته بخورید!»
- معاذ بن انس رضی الله عنه می‌گوید: رسول الله صلی الله علیه وسلم از گروهی می‌گذشت که سوار بر چهارپایان بودند و آنحضرت صلی الله علیه وسلم به آنان فرمودند: « **لا تتخذوها كراسي لأحاديثكم في الطرق، والأسواق**»[۳] یعنی: «آنها را بعنوان کرسی‌های نشستن برای گفتگوهایتان در راها و بازارها قرار ندهید.»
- عبدالله بن عباس رضی الله عنهما می‌گوید: « **نهى رسول الله صلى الله عليه وسلم عن التحريش بين البهائم**»[۴] یعنی: « رسول الله صلی الله علیه وسلم از به جان هم انداختن حیوانات نهی نموده است.» بر اساس این حدیث، به جان هم انداختن حیوانات که بنوعی سبب اذیت آنها نیز می‌شود جائز نیست در حالی که در برخی از کشورهای جهان با این همه ادعای سر به فلک کشیده حقوق حیواناتشان، مسابقات گاوبازی، خروس‌جنگی و ....، دارند و با آزار رساندن به این حیوانات زبان بسته موجبات خوشگذرانی خویش را فراهم می‌کنند!

---

[۱]- ر.ک: المنهاج شرح صحیح مسلم بن الحجاج – النووی، ج۱۴، صص ۲۴۰ – ۲۴۱.

[۲]- سنن أبی داود، ج۳، ص۲۳ ح۲۵۴۸؛ صحیح ابن خزیمة، (المکتب الإسلامی، بیروت)، ج۴، ص۱۴۳ ح۲۵۴۵.

[۳]- مسند الإمام أحمد بن حنبل، ج۲۴، ص۳۹۲ ح۱۵۶۲۹؛ المعجم الکبیر للطبرانی، (ط: ۲، مکتبة ابن تیمیة، القاهرة)، ج۲۰، ص۱۹۳ ح۴۳۲.

[۴]- سنن الترمذی، ج۴، ص۲۱۰ ح۱۷۰۸؛ سنن أبی داود، ج۳، ص۲۶ ح۲۵۶۲.

- عبدالله بن عمر رضی الله عنهما می‌گوید: « **لعن النبي صلى الله عليه وسلم من مثل بالحيوان**»[۱] یعنی: «پیامبر صلی الله علیه و سلم کسی که حیوانی را مثله (شکنجه) کند لعنت نموده است.» این حدیث و احادیث مشابه آن به تحریم تعذیب حیوانات دلالت دارند.[۲]

ث) امام منصور البهوتی رحمه الله متوفی ۱۰۵۱هـ‍ـق، مصادف با ۱۶۴۱م، یعنی حدود ۵ قرن پیش، در کتاب «شرح منتهی الإرادات»[۳] تصریح نموده که بر ولیّ امر (حاکم یا قاضی شرعی) لازم است که در صورت ضایع شدن حقوق حیوان، با متخلفین برخورد تعزیراتی انجام دهد! البته قبل از او امام ضیاءالدین محمد بن محمد القرشی معروف به ابن الاخوة رحمه الله متوفی ۷۲۹هـ‍ـق، مصادف با ۱۳۲۹م، یعنی حدود ۸ قرن پیش، در کتاب « معالم القربة فی طلب الحسبة» که به زبان انگلیسی نیز ترجمه شده در باب‌های متعددی به امور تنظیمی، بازرسی و تعزیراتی مربوط به نقض حقوق حیوانات پرداخته است که عناوین برخی از باب‌های آن را به اختصار در اینجا تیتر وار متذکر می‌شویم.

- هرکس مالک چهارپایان است واجب است که به امور خورد و خوراک علوفه آنها رسیدگی کند و آنچه که موجب ضررشان است را بر آنها حمل نکند و از شیرشان جز آنچه که برای بچه‌هایش اضافی باقی مانده ندوشد چون این شیر غذای آنهاست و جائز نیست که از آن منع شوند و همچنین اگر مالک از مخارج آنها امتناع نماید بدان اجبار می‌شود و اگر توان مالی نداشت در صورت امکان لازم است اجاره داده شود و اگر هم این کار ممکن نبود، فروخته می‌شود و اگر کسی در خرید آن رغبتی نداشت پس عهده‌دار آن از بیت المال است و باز اگر

---

[۱]- صحیح البخاری، ج۷، ص۹۴ ح۵۵۱۵.

[۲]- ر.ک: فتح الباری – ابن حجر، ج۹، ص۶۴۵.

[۳]- شرح منتهی الإرادات – البهوتی، (ط: ۳، عالم الکتب، ۱۹۹۳م)، ج۳، ص۲۴۷.

این هم امکان پذیر نباشد در این حالت بر عموم مسلمانان واجب است که عهده‌دار آن شوند، بر این اساس این امر جزء حقوق اشتراکی محسوب می‌شود.[۱]

- داروغه باید کاسبان هیزم، کاه، هندوانه، شلغم و ...، را از این منع کند که بار سنگین بر پشت حیوانات بگذارند - در حالی که حیوان یکجا توقف کرده - چون هنگامی که حیوان حرکت نمی‌کند و بار سنگین بر آن هست به حیوان ضرر می‌رساند و این برای حیوان یک نوع عذاب است.[۲]
- شایسته است صاحبان چهارپایان از خداوند متعال بترسند در مورد کار کشیدن از حیوان، و همچنین حیوانات را در هر شبانه روز استراحت بدهند تا خوب استراحت کنند و از حیوان برای آرد کردن بیش از پنج مَن کار نکشند.[۳]
- در نظارت بر قصاب‌ها؛ برای قصاب‌ها جائز نیست که با چاقوی کُند حیوان را ذبح کنند، زیرا این کار نوعی عذاب دادن است و پیامبرﷺ از تعذیب حیوانات نهی نموده‌اند و همچنین مشروع نیست که بلافاصله سلّاخی بعد از ذبح انجام شود تا زمانی که بدن حیوان سرد نشود و روح از آن خارج نگردد.[۴]
- در نظارت بر دامپزشک؛ علاج حیوان سخت‌تر از علاج آدمی است چون که چهارپایان قادر به سخن گفتن نیستند تا مرض خود را بیان کنند و دامپزشک فقط با معاینه می‌تواند تشخیص دهد

---

[۱]- معالم القربة فی طلب الحسبة - ابن الأخوة، (ط:۱، مکتب الاعلام الاسلامی، ۱۴۰۸هـ)، ص۲۷.

[۲]- منبع قبل، ص۱۳۶.

[۳]- منبع قبل، ص۱۵۲.

[۴]- منبع قبل، صص۱۶۲ – ۱۶۳.

پس دامپزشک نیاز به دقت فراوان در شناسایی مریضی‌های چهارپایان و علاج آنها دارد بنابراین امر دامپزشکی را باید به کسی داد که خبره و دارای علم باشد.[۱]

- داروغه باید از عقیم کردن انسان‌ها و حیوانات جلوگیری نماید و کسی که مرتکب چنین عملی شود باید تأدیب گردد و اگر در آن قصاص یا دیه باشد به کسی که مستحق آن است به تمام و کمال حق را بدهد.[۲]
- داروغه باید از مسابقات و بازی‌های خروس جنگی و شاخ‌زدن حیوانات جلوگیری نماید.[۳]

حقایقی که باید هر مسلمانی بداند!

شاید برای عموم مسلمانان، این مطالبی که اکنون بیان می‌کنیم جای تعجب باشد لیکن این حقیقتی انکار ناپذیر است هرچند دعوتگران دین لازم است این مطالب را – در حد توان – به گوش همه برسانند اما می‌بینیم که در این حوزه بسیار کوتاهی شده و همین موجب این گشته که مسلمانان از حقیقت ترحم و مهربانی و ادای حقوق حیوانات در اسلام غافل شوند و کار به جائی برسد که بیگانگان (غیرمسلمانان) برای مسلمین الگوپذیر شوند حال اینکه در تمدن اسلامی و گذشتگان ما بهترین الگوه‌ها را داشته‌ایم که زبان از بیان آن عاجز می‌ماند.

بطور نمونه:

- عبدالله بن مسعود رضي الله عنه می‌گوید: « **كنا مع رسول الله صلى الله عليه وسلم في سفر، فانطلق لحاجته فرأينا حمرة معها فرخان فأخذنا فرخيها، فجاءت الحمرة فجعلت تفرش، فجاء النبي**

---

[۱]- منبع قبل، ص۲۳۴.

[۲]- منبع قبل، ص۲۹۱.

[۳]- منبع قبل، ص۳۵۱.

صلی الله علیه وسلم فقال: من فجع هذه بولدها؟ ردوا ولدها إليها»[1] یعنی: « همراه با رسول‌الله ﷺ در مسافرت بودیم حضرت ﷺ برای قضای حاجت رفت، در این هنگام پرنده‌ای را دیدیم که دو جوجه همراهش بود، جوجه‌هایش را برداشتیم، وقتی پیامبر ﷺ آمد فرمود: چه کسی با جوجه‌های این پرنده این کار را کرده است، جوجه‌هایش را به او بازگردانید.»

- سوادة بن ربیع الجَرمی رضی الله عنه می‌گوید: « **أتيت رسول الله صلى الله عليه وسلم بأمي، فأمر لنا بشياه، وقال لها: مُري بنيك أن يقلموا أظفارهم؛ أن يوجعوا، أو يعبطوا ضروع الغنم، ومري بنيك أن يحسنوا غذاء رباعهم»**[2] یعنی: «همراه مادرم به حضور رسول الله ﷺ رفتم. آنحضرت ﷺ دستور فرمودند چند گوسفند در اختیار ما نهاده شد و به مادرم فرمودند: به پسرانت دستور بده ناخن‌های خود را بگیرند که پستان گوسفندها را به درد نیاورند و زخمی نکنند و به آنان بگو خوراک بَره‌ها را خوب و پسندیده بدهند.»
- ابوهریره رضی الله عنه می‌گوید: « **قال رسول الله صلى الله عليه وسلم: إذا سافرتم في الخصب، فأعطوا الإبل حظها من الأرض، وإذا سافرتم في السنة، فأسرعوا عليها السير...»**[3] یعنی: «رسول‌الله ﷺ فرمودند: هرگاه در زمین سرسبز مسافرت کردید سهمیه شتر را از زمین بدهید و هرگاه در زمین خشک مسافرت کردید به سرعت از آن عبور کنید.» این حدیث به مهربانی و رعایت مصلحت حیوانات ترغیب می‌کند.[4]

---

[1]- سنن أبی داود، ج۳، ص۵۵ ح۲۶۷۵؛ المستدرک علی الصحیحین للحاکم، (ط: ۱، دار الکتب العلمية، بیروت، ۱۹۹۰م)، ج۴، ص۲۶۷ ح۷۵۹۹.

[2]- الطبقات الکبری لابن سعد، (ط: ۱، دار صادر، بیروت، ۱۹۶۸م)، ج۷، ص۴۸؛ السنن الکبری للبیهقی، (ط: ۳، دار الکتب العلمية، بیروت، ۲۰۰۳م)، ج۸، ص۲۵ ح۱۵۸۲۰؛ المعجم الکبیر للطبرانی، ج۷، ص۹۷ ح۶۴۸۲.

[3]- صحیح مسلم، ج۳، ص۱۵۲۵ ح۱۹۲۶.

[4]- ر.ک: المنهاج شرح صحیح مسلم بن الحجاج – النووی، ج۱۳، ص۶۹.

- ابی‌سودة السَّمبَسی رحمه الله می‌گوید: «**کان عدی بن حاتم یفتّ الخبز للنمل ویقول: إنهن جارات ولهن حق**»[1] یعنی: « عَدِیّ بن حاتم رضی الله عنه برای مورچه‌ها نان را ریزریز می‌کرد و می‌فرمود: آنها همسایگان هستند و برایشان حقیست.»
- ابودرداء رضی الله عنه به شترش هنگام مرگ فرمود: « **یا أیها البعیر لا تخاصمني إلی ربك فإني لم أكن أحملك فوق طاقتك.**» [2] یعنی:« ای شتر، مرا پیش پروردگار مخاصمه نکنی چونکه بیش از توانت از تو حمالی نکشیدم!»
- امام ذهبی رحمه الله(م۷۴۸هـ) در کتاب «سیر اعلام النبلاء» در سیره‌ی عارف والا مقام شیخ احمد رفاعی رحمه الله می‌نویسد: «باری گربه‌ای روی لباس شیخ احمد خوابیده بود و شیخ قصد خواندن نماز را داشت و برای اینکه گربه اذیت نشود لباسش را پاره کرد و بعد از ادای نماز نشست و لباس خود را دوخت و فرمود: چیزی تغییر نکرده است!»[3]
- امام تاج الدین سُبکی رحمه الله(م۷۷۱هـ) در کتاب « معید النعم ومبید النقم» که در مورد آداب مشاغل و حرفه‌ها تألیف نموده در بیان آداب شغل طیّان(گِل‌کار) – کسی که بعد از بناء، دیوارها را سیمان یا گچ می‌کشد– می‌نویسد: «از وظایف گِل‌کار این است که قبل از اینکه مکانی را گِل‌کاری کند آن را بررسی نماید؛ بسیاری از گِل‌کاران را می‌بینی که در قرار دادن گِل روی دیوار شتاب می‌کنند و چه‌بسا بطور تصادفی پرنده یا جانداری که کشتن آن جائز نیست را با

---

[1]– الزهد لأحمد بن حنبل، (ط: ۱، دار الكتب العلمية، بیروت، ۱۹۹۹م)، ص۱۳۹ ح۹۴۹؛ شعب الإیمان للبیهقی، (ط: ۱، مكتبة الرشد، الریاض، ۲۰۰۳م)، ج۱۳، ص۴۲۱ ح۱۰۵۶۷.

[2]– قوت القلوب – أبو طالب المكی، (ط: ۲، دار الكتب العلمیة، بیروت، ۲۰۰۵م)، ج۲، ص۱۵۹؛ إحیاء علوم الدین – أبو حامد الغزالی، (ط: دار المعرفة، بیروت)، ج۱، ص۲۶۴؛ مقتطفات من كتاب من روائع حضارتنا – مصطفی السباعی، (ط: ۱، دار الوراق، المكتب الإسلامی، بیروت، ۱۹۹۹م)، ص۱۸۴.

[3]– سیر أعلام النبلاء – الذهبی، (ط: ۳، مؤسسة الرسالة، ۱۹۸۵م)، ج۲۱، ص۷۸.

این کار به قتل می‌رسانند و با گِل آمیخته می‌کنند از این‌رو ممکن است هم به جهت کشتن این حیوان زبان‌بسته خائن به خدا شوند و هم در مقابل صاحب‌کار که آن حیوان را با مخلوط گِل داخل دیوار کرده است.»[1]

- امام سیوطی رحمه الله(م۹۱۱هـ) در کتاب «الحاوی للفتاوی» داستان جالبی را نقل کرده و می‌نویسد: «شیخ تاج الدین سُبکی رحمه الله در کتاب "الترشیح" می‌گوید: روزی با جماعتی جلوی خانه بودم که سگی داشت از کنار ما عبور می‌کرد و [با تکان دادن بدنش] آب می‌پاشید و نزدیک بود بر لباسمان برخورد کند آنگاه با عصبانیت او را از خودم دور کردم و گفتم: ای سگ، ای توله سگ؛ در این اثنا بود که شیخ امام تقی الدین سبکی – پدرم – از داخل خانه صدای ما را شنید و بیرون آمد و فرمود: چرا آن را دشنام می‌دهی؟ عرض کردم: من فقط حقیقت را گفتم، مگر این سگ، توله سگ نیست؟ تقی الدین سبکی رحمه الله فرمود: این‌گونه است لیکن تو این حرفت را با حالت دشنام و توهین‌گونه گفتی و این شایسته نیست! تاج الدین سبکی رحمه الله می‌گوید: در این فایده‌ای است و اینکه جائز نیست هیچ مخلوقی را بگونه‌ای که جنبه‌ی توهین باشد صدا کرد.»[2]
- در سیره و زندگانی امام ابواسحاق شیرازی رحمه الله(م۴۷۶هـ) نوشته‌اند: «روزی امام ابواسحاق شیرازی رحمه الله همراه با برخی از شاگردانش از مسیری عبور می‌کردند که ناگهان در بین راه با سگی مواجه شدن، یکی از همراهان، آن سگ را نهیب داد و دور کرد. امام ابواسحاق رحمه الله او را

---

[1]- معید النعم ومبید النقم – السُبکی، (ط:۱، مؤسسة الکتب الثقافیة، ۱۹۸۶م)، صص۱۰۰ – ۱۰۱.

[2]- الحاوی للفتاوی – السیوطی، (ط: دار الفکر، بیروت، ۲۰۰۴م)، ج۱، ص۲۸۳.

از این کار منع نمود و به وی فرمود: این سگ را از این راه دور نکن، مگر نمی‌دانی این راه بین من و آن سگ مشترک است.»[1]

- دکتر مصطفی سباعی‌رحمه الله(م۱۳۸۴هـ) در کتاب «مقتطفات من کتاب من روائع حضارتنا» می‌نویسد: «نهادهای اجتماعی [در تمدن اسلامی] برای حمایت از حیوانات نقش به‌سزایی داشتند، همین برای ما کفایت می‌کند که در ثبت موقوفات قدیمی، اماکن وقفی خاصی برای علاج بیماری حیوانات و همچنین مراتع وقفی برای حیوانات پیر و درمانده وجود داشته‌اند. و همه‌ی اینها بر روحیه ملتی دلالت دارد که در مهربانی با حیوانات تا این حد بی نظیر پیش رفته‌اند.»[2]

احسان در کشتن حیوانات

در شریعت اسلام، حیواناتی که قربانی کردن آنها حلال است یا بنوعی جواز کشتن‌شان در صورت موذی بودنشان صادر شده لازم است که جانب احسان و نیکی در حق آنها را مراعات نمود و باید از خشونت، شکنجه و تعذیب آنها چه در هنگام قربانی و چه در موقع کشتن حیوان موذی خودداری کرد!

- سیدنا رسول الله ﷺ می‌فرمایند: «**إن الله كتب الإحسان على كل شيء، فإذا قتلتم فأحسنوا القتلة، وإذا ذبحتم فأحسنوا الذبح، وليحد أحدكم شفرته، فليرح ذبيحته**»[3] یعنی: «همانا خداوند در همه چیز احسان را واجب کرده است، پس هرگاه کشتید [به حکم شرع] به شیوه‌ی

---

[1]- تهذیب الأسماء للنووی، (ط: دار الکتب العلمیة، بیروت)، ج۲، ص۱۷۳؛ طبقات الشافعیة الکبری للسبکی،(ط: ۲، هجر للطباعة والنشر والتوزیع، ۱۴۱۳هـ)، ج۴، ص۲۲۶.

[2]- مقتطفات من کتاب من روائع حضارتنا، صص۱۸۳ – ۱۸۴.

[3]- صحیح مسلم، ج ۳، ص ۱۵۴۸، ح ۱۹۵۵.

نیکو بکشید و هرگاه حیوانی را قربانی کردید پس با شیوه‌ی نیکویی ذبح کنید و یکی از شما چاقواش را تیز کند و ذبیحه را راحت کند.»

- عبدالله بن عباس رضی الله عنهما می‌گوید: «**أن رجلا أضجع شاة يريد أن يذبحها وهو يحد شفرته، فقال النبي صلى الله عليه وسلم: أتريد أن تميتها موتات هلا حددت شفرتك قبل أن تضجعها**»[1] یعنی: «مردی گوسفندی را بر روی زمین خوابانیده بود و می‌خواست آن را سر ببرد در حالی که داشت چاقواش را تیز می‌کرد، پیامبر ﷺ فرمودند: آیا می‌خواهی آن را زجرکش کنی، چرا قبل از اینکه آن را بر روی زمین بخوابانی، چاقوات را تیز نکردی؟!»
- قُرَّة بن إياس رضی الله عنه می‌گوید: « **أن رجلا قال: يا رسول الله إني لأرحم الشاة أن أذبحها. فقال رسول الله صلى الله عليه وسلم: إن رحمتها رحمك الله**»[2] یعنی: «مردی عرض کرد: ای رسول‌الله، من هنگام ذبح گوسفند باید ترحم داشته باشم؟ رسول الله ﷺ فرمودند: اگر [هنگام ذبح] به آن ترحم کنی خداوند به تو رحم می‌کند.»

برخی از اموری که در هنگام قربانی حیوان باید مراعات شود به قرار ذیل است:

- در جلوی حیوانِ قربانی، نباید چاقو را تیز کرد[3]

---

[1]- المستدرک علی الصحیحین للحاکم، ج ۴، ص ۲۵۷، ح ۷۵۶۳ ؛ السنن الکبری للبیهقی، ج ۹، ص ۴۷۱، ح ۱۹۱۴۱.

[2]- الأدب المفرد للبخاری، (ط:۳، دار البشائر الإسلامية، بيروت، ۱۹۸۹م)، ص۱۳۶ ح۳۷۳؛ مسند الإمام أحمد بن حنبل، ج۳۳، ص۴۷۲ ح۲۰۳۶۳؛ المستدرک علی الصحیحین للحاکم، ج۴، ص۲۵۷ ح۷۵۶۲.

[3]- ر.ک: مصنف عبد الرزاق، (ط: ۲، المجلس العلمي، الهند، ۱۴۰۳هـ)، ج۴، ص۴۹۳ ح۸۶۰۶؛ السنن الکبری للبیهقی، ج۹، ص۴۷۱ ح۱۹۱۴۲؛ المعجم الکبیر للطبرانی، ج۱۱، ص۳۳۲ ح۱۱۹۱۶.

- حیوانی که قرار بر ذبح آن است نباید در مقابل حیوان دیگری ذبح کرد![1]
- توله‌های حیوان قربانی نباید به محلِ کشتارگاه برد.[2]
- سلّاخی قبل از سرد شدن لاشه، و هرگونه تعذیبِ بدون فایده کراهت دارد.[3]
- هرگاه ذبحی انجام شد باید سریع آن را راحت کرد.[4]

نتیجه پایانی

اول اینکه: حقوق حیوانات در اسلام در جایگاه ویژه‌ای قرار دارد و در نصوص شرعی و همچنین از دیدگاه فقهای اسلامی بدان تأکید شده است و به جرأت می‌توان گفت که اولین منشور حقوق حیوانات و عنایت به آن توسط مسلمانان تدوین شده و در کتاب‌های فقهی ابوابی را بدان اختصاص داده‌اند که بر اهل تحقیق پوشیده نیست. بنابراین این سخن که اسلام ناقض حقوق حیوانات است، سخنی باطل و فاقد اعتبار بوده که عده‌ای اسلام‌ستیز بر اسلام افتراء وارد کرده‌اند که بحمدالله در این کتابچه مستنداً و مستدلاً بطلان آن ثابت شد.

دوم اینکه: در خصوص نجس بودن سگ در اسلام، بین فقهای اسلامی اختلاف است و نظر قاطعی مبنی بر نجاست آن وجود ندارد چراکه در قرآن و سنت صحیح هیچ دلیل صریحی بر نجس بودن سگ وارد نشده و نهایت پذیرش در این موضوع، ظنی الدلاله است.

---

[1]- ر.ک: مصنف عبد الرزاق، ج۴، ص۴۹۳ ح۸۶۱۰؛ مسند الإمام أحمد بن حنبل، ج۱۰، ص۱۰۵ ح۵۸۶۴؛ سنن ابن ماجه، ج۲، ص۱۰۵۹ ح۳۱۷۲؛ السنن الکبری للبیهقی، ج۹، ص۴۷۱ ح۱۹۱۳۹.

[2]- ر.ک: المنهاج شرح صحیح مسلم بن الحجاج – النووی، ج۱۳، ص۱۰۷.

[3]- ر.ک: تحفة الأحوذی بشرح جامع الترمذی – المبارکفوری، (ط: دار الکتب العلمیة، بیروت)، ج ۴ ، ص ۵۵۳.

[4]- ر.ک: سنن ابن ماجه، ج ۲، ص ۱۰۵۹، ح ۳۱۷۲؛ السنن الکبری للبیهقی، ج ۹، ص ۴۷۱، ح ۱۹۱۳۹.

سوم اینکه: حکم کشتن سگ بر اساس احادیثی که در این باره وارد شده مختلف بوده به این صورت که در ابتدا به کشتن سگ‌های مدینه امر شده که عمومیت نداشته به لحاظ مکانی و زمانی و سپس حکم آن بطور عموم نسخ گردیده و در نهایت کشتن سگ‌های گزنده و هار مجاز شده است.

چهارم اینکه: نگه‌داری از سگ‌ها به قصد منفعت باتوجه به احادیث صحیح نبوی ﷺ جواز داده شده است مانند سگ‌های شکاری، تربیت شده، نگهبان مزارع، گله، منازل و اماکن مهم و نیز سگ‌های ردیاب و امداد و امثال اینها، در غیر این موارد، نگه‌داری از سگ‌ها برای فخرفروشی یا تجمل‌گرایی شرعاً حرام است.

﴿وَ السَّلامُ عَلی مَنِ اتَّبَعَ الْهُدی﴾

«رد شبهات ملحدین»